

مبارزه ضد امپریالیستی  
از مبارزه برای دموکراسی  
جدانیست

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم شماره ۱۰۱

چهارشنبه ۲۰ اسفندماه ۱۳۵۹

۲۰ صفحه ۳۰ ریال

# جمهوری اسلامی در بن بست جنگ

چیزی برای توده‌ها با ریمان نیاورده است. چنین بنظر میرسد که این جنگ به پایان خود نزدیک می‌شود. کمیته‌ای که توسط گنفرانس طائف بمنظور میانجیگری میان توده‌ولایت ایران و عراق تشکیل شد، پس از بقیه در صفحه ۱۷

با گذشت نزدیک به شش ماه از آغاز جنگ دولت‌های ایران و عراق، جنگی که تا با مرور جز هزاران کشته و زخمی، میلیون‌ها آواره گرسنه و بیکار روبه‌پار ویرانی شهرها و مراکز مسکونی توده‌ها، نابودی بخش عظیمی از تأسیسات و صنایع، و سرانجام گرانی و بیکاری

## سخنرانی بنی صدر و تعمیق بحران قدرت

بدینحال سخنرانی بنی‌صدر در بغداد از ظهر پنجشنبه ۱۲ اسفندماه و اینجا در زنگوی شدیدبین دسته‌های فالانژ و پیکر کشتندگان در میتینگ و کار در شبکس جمهوری، مسائل سیاسی جامعه تحت الشعاع درگیریهای طرفداران رئیس جمهوری و حزب جمهوری اسلامی و ارگانهای تابعه آن قرار گرفت.

حمله بنی‌صدر به حزب جمهوری اسلامی، دولت و دیگر ارگانهای متحد نفوذ حزب که همواره با نشان دادن کارتها و سلاطین گرم و سرد ممانده شده و چماق‌داران بود و دادن شعاری نظیر شعار "مرگ بر بهشتی"، "بهشتی ظالمانی را تو کشتی" و "مرگ بر حزب" توسط جمعیت ازیکسو و شعار فالانژها نظیر "سپهسالار بنیوشه ایران شیلی همیشه که مستقیماً بنی صدر را مورد حمله قرار میداد از سوی دیگر بیانگر حدت و شدت بیباکی توده‌ها در این دو جناح حاکم می‌باشد.

هر چند کشمکش و رقابت بین لیبرال‌ها و حزب جمهوری اسلامی برای کسب موقعیت برتر در دستگاه دولتی با افت و خیزهایی همواره ادامه داشته است اما هیچگاه تا بدین درجه حدت و شدت نپایفته بود.

عناصروابسته به حزب و لیبرال‌ها آنکارا و بی‌پرده یکدیگر را مورد حمله قرار میدهند. پس از واقعه دانشگاه حزب جمهوری اسلامی طی بیانیه‌ای ضمن حمله به رئیس جمهور، حمله چماق‌داران را مدعیه سازی و نمودن پخته و متکرر هر گونه رابطه‌ای بین حزب و چماق‌داران گشت. عناصر و شخصیت‌ها وابسته به بقیه در صفحه ۲

## ● تجارت خارجی حاکمیت و اپورتونیستها

صفحه ۱۱

## ● لایحه بازسازی نیروهای انسانی و وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی گامی ضد انقلابی در جهت بازسازی نظام بوروکراتیک

صفحه ۱۶

## در این شماره

● جنبش جهانی

● جنبش کارگری

● از میان نامه‌های کارگران

● از اعلامیه‌ها... کارگران پیشرو

## ● طرح فعالیت احزاب و... روی قانون سیاه ۱۳۱۰ رضاخان را سفید کرد

سرانجام پس از ماه‌ها بحث و گفتگو دربار قانون احزاب و گروهها، مجلس شورای اسلامی طرح‌دهین شده توسط حزب جمهوری را مورد بررسی قرار داد. کلیات این طرح که در ۲۰ ماده و دهها بند و تبصره تنظیم شده است در جلسه ۱۲ اسفند، با ۱۲۹ رای موافق، ۴۱ رای مخالف و ۱۲ رای ممتنع بتصویب رسید. مابدون اینکه به بندهند این طرح بقایب ارتجاعی و ضد مردمی پرداخته بقیه در صفحه ۲

## ● نامه‌یک رفیق هوادار

## جنایات هولناک رژیم جمهوری اسلامی

صفحه ۱۴

## ● سیاست فریب و دروغ دولت جمهوری اسلامی در مسئله آزادی جاسوسان آمریکایی

صفحه ۱۳

نابود باد امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا  
وپایگاه داخلی



## اعتصاب کارگران کوره بلند دوب آهن اصفهان

آتشکاران کوره بلند روز ۱۲/۲ با طر  
خواستهایشان که مدت چندین سال  
اعتصاب زدند و تخلیه کوره بلند را  
بهدت یک ساعت به تعویق انداختند  
آنها با  
اعتصاب خودزیران دولت سرمایه  
داری، احمدزاده، نعمت زاده و موسی  
شیرا مجبور کردند تا برای شنیدن  
خواستهایشان در محل کار حضور یابند.  
وزیران در مقابل خواستههای  
برحق کارگران دوب آهن محبتها بر  
کردند که یکبار دیگر چهره رژیم جمهوری  
اسلامی را نزد کارگران افشا نمود.  
نعمت زاده وزیر منابع و معادن  
میگفت: "فکر نکنید شما ما را مجبور  
کرده اید که اینجا بیایم ما خودمان  
در اصفهان کار داشتیم و به همین دلیل  
آمده ایم". آری از یک نظر و راست  
میگویند چون دردهای کارگران برای او  
و همکارانش اهمیتی ندارد.

موسی غیروزیر مشاور و سرپرست  
برنا میبود چه میگفت: حرفهای شما  
کارگران غیرمنطقی است ما به حرفهای  
غیرمنطقی شما گوش نمی دهیم. "بله او  
شیراست میگوید چون منطق کارگران  
با منطق سرمایه داران متفاوت است.  
در منطق آنها کارگران با پستی جان  
بکنند و شروتهای مادی تولیدکنند و  
بقیه در صفحه ۱۹

## کارگران نیروگاه اتمی اهواز خواهان حقوق خود هستند

مراجعہ مکرر کارگران برکنار  
نده نیروگاه اتمی اهواز به نخست  
وزیری برای گرفتن حقوق عقب  
افتاده خود، همچنان از سوی دولت  
بی پاسخ ماند.

در پی بروز جنگ ارنجای بیسن  
دولت های ایران و عراق، علاوه بر  
کشته وزخمی شدن تعداد زیادی از  
هموطنان زحمتکش مان، و آوار شدن  
۱/۵ میلیون انسان بی گناه، کارگران  
و کارکنان زیادی بر اثر تعطیل  
کارخانه ها و موسسات مناطق جنگی،  
از کار بی کار شده اند. از این جمله  
کارگران نیروگاه اتمی اهوازند که از  
همان بدو جنگ، به علت تعطیل شدن  
نیروگاه، از کار اخراج شدند. این  
عده که عمدتاً از زحمتکشان خلق عرب  
فوزستان هستند، اکنون هماغه است  
که بیگارند و علی رغم این همه گران



## جنبش کارگری

هزینه های زندگی، هنوز که هنوز  
است دولت حقوقهای عقب افتاده  
آنها را نپرداخته است. بارها و بارها  
چه آنها که در تهران بوده اند و چه  
کارگرانی که در شهر اهواز بسر  
می برند، به نخست وزیری مراجعہ  
کرده اند تا حقوق موعدهی خود را وصول  
کنند. اما هر بار با بی تفاوتی و بی  
اعتنائی مقامات نخست وزیری  
مواجه شده اند، و با دولت با وعده  
و وعده های پوشالی معمول خود آنها را  
سرد و انده است. یکی از این  
کارگران اخراجی جنگ زده که صبح  
روز سه شنبه ۱۵ اسفند، همراه کارگران  
دیگر به نخست وزیری آمده بود،  
میگفت: "۵ ماه است که اخراج  
شده ایم، خب این جنگ شده و این همه  
بلا و بدبختی سرا آورده، پس میان  
نیست، ما که جنگ نخو استیم، ما چه  
کسای داریم، چرا حقوقهای ما را  
نمی دهند، ما که پولدار نیستیم،  
و حساب پس انداز هم نداریم کس  
بیتوانیم از آن برداریم و نماند و  
گوشت گران بخریم و بخریم، الان  
هم نه کاری داریم نه خانه ای نه  
هیچی! چشم بسدمان به هم بسن  
حقوقهای عقب افتاده است، لااقل  
می توانیم تا وقتی که جنگ تمام نشود  
با دوباره کاری گیریم بیاریم بکار هم  
گیریم آید، شک خودمان وزن و  
بچه ما بزراسیر کنیم، آخرین چسه  
وضعیه، این دولت عین خیال کش  
نیست که ما بی پول هستیم، گران نیست،  
ما خرج داریم، چرا بی قدر ما را بسر  
می دوانند و حق ما را نمی دهند؟"

## اتحاد قدرتمند شوراهای سراسری صنعت نفت رژیم جمهوری اسلامی را به وحشت انداخت!

مدیریت پالایشگاه اصفهان از ابتدا  
تا کنون هر روز پیش از پیش به لگد مال  
کردن حقوق نفتگران پرداخته است.  
سنگ اندازی در راه شورای پالایشگاه،  
دشمنی آشکار با کارکنان مبارز  
و اخراج آنان، فشار بر نفتگران از  
طریق مدور بخشها به های شدت کارگری،  
سواستفاده مالی و انتصاب افراد  
سرپرده از جمله اقدامات رئیس  
پالایشگاه بشمار می رود.

بدینا این حرکات ضد کارگری  
شورای عملیات فنی پالایشگاه اصفهان  
برای دادن گزارش کارشورا به کارگران  
و تصمیم گیری در مورد رئیس پالایشگاه  
اعلام برگزاری مجمع عمومی در تاریخ  
۱۲/۲/۵۹ می نماید.

شورا با دعوت از شوراهای عملیات  
پالایشگاههای تهران، تبریز و شیراز  
برای شرکت در مجمع، وحدت منافع و  
خواستهای طبقه کارگر را در برابر  
عوامل و دولت سرمایه داری بنمایش  
میگذارد.

بقیه در صفحه ۴

## گزارشی از مبارزات کارگران اف.آی.سی

کارکنان شرکت اف.آی.سی  
(طرح توسعه تلفن تهران، حدود  
۹۰ نفر) با مبارزه پیگیر و پر شور  
موفق به کسب حقوق عقب افتاده خود  
گشتند.

هیئت مدیره شرکت که در مقابل  
اتحاد کارگران و قدرت شورای واقعی  
آنها خود را در پیاده کردن تصمیمات  
شدت کارگری نتوان می بیند، به بهانه  
نداشتن پول حقوق کارگران را  
نپرداخته و شرکت را ترک میکند. شورا  
مسئله را پیگیری کرده و با شرکت  
مغایرات تماس میگیرد. مسئولین در  
برابر فشار شورا میگویند "تا چند روز  
دیگر حقوق کارگران داده میشود."  
اما با گذشت چند روز خبری نمیشود.  
کارگران که در تجارب مبارزاتی خود  
تا کنون بارها به ما هیت وعده های  
"بالایشها" و نیز بی نتیجه بودن اقداماتی  
چون مراجعہ به وزارت کار، دفتر امام،  
دفتر رئیس جمهور و... پی برده اند  
به "عمل مستقیم روی می ورنند.

از دفتر مرکزی شرکت میگویند و  
وزارت پست و تلگراف حرکت می کنند و  
بقیه در صفحه ۴

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری"  
در کارخانه ها برچیده شود

### گزارشی از مبارزات...

بغیه از صفحه ۲  
خواهان ملاقات با وزیر (قندی) میشوند قندی پیغام میفرستد که: "نمایندگان خود را برای مذاکره بفرستند". اصحاب نمایندگان شورا قبول نمیکنند و برای کارکنان توضیح میدهند که: "آنها همیشه دروغ میگویند و هیچوقت کسی قول و قرار درست نمیدهند. این بازنیز قصد دارند به ما وعده وعیدهای بی اساس بدهند و لازم میدانیم این وعده وعیدها در جمع همه ما داده شود." قندی که ما نندتاما سر ما بدهد را بر عوامشان از جمع و تشکل کارگران وحشت دارد از حضور در بین کارگران خودداری مینماید. کارگران نیز در جلوی دروازه خانه به گنگنرول و شناسایی خروج افرادی بپردازند تا مبادا قندی بگیرد.

در این زمان پاسداران سرمایه و بدست وارد میدان میشوند. لیکن صف متحد، عزم را سخاوت و استوار و پولادین کارگران آنها را به عقب می نشاند. در برابر مبارزه کارگران و تصمیم قاطع آنها در کسب حقوق حقه خویش "بالائینها" چاره ای جز عقب نشینی نمی باشد. "دارا" نما بینه وزیر و مسئول مخابرات در شرکت اف. آی. سی بمیان کارگران می آید. وی پس از صحبتهائی قول میدهد که تا سه روز دیگر حقوق کارگران پرداخت شود. بالاخره کارگران موفق میشوند که حقوق یکماه خود را بگیرند. آنها با هدایت شورای خویش تصمیم میگیرند کار را شروع کرده و همچنان خواستهایشان را دنبال نمایند. پس از آن شورا با اتکاء به نیروی کارگران و بسیا پیگیری خود ۲۰ میلیون تومان از جمع مسئولین مخابرات برای اعراض از شرکت بدر می آورد. پولی که در حقیقت قسمتی از دسترنج خود کارگران است.

با شروع کار مدیریت از طرف مخابرات برای شرکت انتخاب میشود ویدراولین گام نظیر تمام عوام مسئول سرمایه داری افزون بر استعمار کارگران را نشانه میبرد. در جلسه ای با سرپرستان به آنها میگوید "بازدهی کار را بالا ببرید". اما عده ای از سرپرستان ضد کارگر طرح میکنند "نمایندها ما نفع بیشترت کار هستند. اگر آنها سر کار را بشوند ما نمی توانیم قول دهیم که بازدهی کار را بالا ببریم." توطئه جدیدم بیروسرپرستان ضد کارگر بر علیه شورا و اتحاد کارگران شکل میگیرد. مدیر عامل دوتسن از نمایندگان شورا را معلق میکنند. کارگران با اطلاع از این مسئله شدیداً بخشم آمده و چون سیل خویشان به حرکت در می آید. روز پنجشنبه ۱۹/۱۰ دست از کار کشیده، در اداره مرکزی اجتماع کرده و خواستار حضور مدیر در مجمع عمومی

### جنبش کارگری

میشوند. مدیر بعد از مدتی اطلاعیه ای صادر میکند: "کسی حق ندارد بدون اجازه سرپرستان در دفتر مرکزی جمع شود". کارگران آنرا به تمسخر گرفته و فریاد میزنند "اطلاعیه شماره ۱۰۱ - فرمانداری نظامی شرکت!! مدیر مجبور میشود که در جمع کارگران حضور یابد. آنها به معلق کردن دو نماینده قسمت کابل شدیداً اعتراض کرده و میگویند "اگر نمایندگان ما کسب نکنند ما هم کار نمیکنیم." مدیر ملتسانه از آنها میخواهد که اجازت دهند تا آخر ماه دو نماینده در قسمت دیگری مشغول کار باشند. کارگران مبارز شرکت اف. آی. سی تاکنون در جریان مبارزاتشان تنها به نیروی اتحاد در زمینه خویش در شورای وقظمیشان متکی بوده اند. آنها همچنان با تمام توان این سنگرمبارزاتی خویش را در شرایط کنونی حفظ کرده و به پیش خواهند راند.

مبارزه کارگران اف. آی. سی برای خواستهای برحقشان همچنان ادامه یافت. در تاریخ ۱۱/۲۲ مجمع عمومی کارگران تشکیل میشود. در این مجمع آنها ضمن حمایت مجدد از نمایندگان واقعی خود پشتیبانی از شورای انقلابی قطعی می سازند. می کنند در قسمتی از آن آمده است:

- روشن شدن وضعیت ۳ ماهه حقوق موقوفه.
- روشن شدن وضعیت عیدی و پاداش.
- کلیه وسایل ایمنی کار باید در اختیار کارکنان قرار گیرد.
- تشکیل مجمع عمومی در آخر هر ماه.
- نظارت نمایندگان بر درآمد شرکت از طریق کنترل هزینه.
- نمایندگان حق نظارت کامل بر کلیه امور شرکت را داشته باشند.

اتحاد قدرتمند شوراهای  
سراسری صنعت نفت...

بغیه از صفحه ۳  
مدیران وابسته که با برگزاری مجمع و در مقابل قدرت مصمم نغفنگران موقعیت خود را در خطر می بینند، به دست و پا می افتند. به دولت حامی خود توسل جست و با مقامات استان تماس میگیرند. از کارهای دولتی بر علیه زحمتکشان بکار می افتند دستگا های تبلیغاتی رژیم چون رادیو و تلویزیون شبها شی را علیه نغفنگران آغا ز می کنند. از کارهای سزکوب نیز وارد میدان شده و با لاینگاه به محاصره

نیروهای مسلح رژیم در می آید. در پالایشگاه بسته شده و از ورود نمایندگان شورا های تهران، تبریز و شیراز بسته پالایشگاه اصفهان جلوگیری می نمایند. نمایندگان شورا ی پالایشگاه اصفهان در پیگیری این قضیه با مسئولین مختلف دولتی تماس میگیرند. نماینده دادستانی آنها میخواهد که مجمع عمومی را تشکیل ندهند. نمایندگان میگویند بشرطی حاضریم اینکار را بکنیم که استاندارد اصفهان دلیل این امر را در پالایشگاه و در حضور خبرنگاران توضیح دهد. بالاخره نمایندگان شورا های سراسری صنعت نفت به اتفاق "داودی" استاندارد اصفهان و "بزرگی" نماینده دادستانی جلسه ای تشکیل میدهند. در این جلسه استاندارد از به خواست نغفنگران پاسخ شفاهی نداده و با طفره رفتن جلسه را ترک میکند.

بدنبال آن نمایندگان از کارکنان پالایشگاه میخواهند که در جلوی در پالایشگاه و در پارکینگ اجتماع نمایند. در این جمع آنها مسائل پیش آمده را با کارگران در میان میگذارند. بالاخره ضمن تأکید بر تشکیل مجمع عمومی و نقش آن در بالا بردن آگاهی کارگران، قطعی می آید که تصمیم نهایی را به بعد موکول میکنند. در بخشهایی از قطعنامه نغفنگران مبارز آمده است که:

- ما خواهان تصفیه و پاکسازی انقلابی در سطح صنعت نفت، بخصوص در پالایشگاه اصفهان با شرکت نمایندگان منتخب کارکنان میباشیم.
- ما به کلیه ارگانهای مسئول و انقلابی هشدار میدهم که چنانچه تا تاریخ ۱۵/۱۲/۵۹ قدامی در جهت تصفیه مدیریت پالایشگاه اصفهان ننمایند خود را استعفا، اقدامات لازم را انجام خواهند داد.
- خواستار اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر شورا های صنعت نفت در جهت تدوین و بخشیدن به انقلاب اسلامی میباشیم.
- خواستار تصفیه انقلابی اعیان و انصار رئیس فعلی پالایشگاه و منصوبین تحمیلی ایشان است.
- نظارت شورا هستیم.
- خواستار تدوین سریع مقررات پرسنلی جدید صنعت نفت با نظر خواهی از نمایندگان شوراهای صنعت نفت و نهاد تغییر سیستم اداری وزارت نفت میباشیم.
- شورای انقلابی صنعت نفت با پشتیبانی قاطع نغفنگران تهران، ارتباط با یکدیگر، پیگیری مبارزاتی بیامان و با اقدام و عمل مستقیم خویش بدون شک خواهند توانست دو جهت بدست آوردن این خواستها و دیگر خواستهای کارگران گامهای انقلابی به پیش بردارند.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگری ستار مبارزات  
ضدامپریالیستی - دموکراتیک - خلقهای ایران

آورده بودند. دلیل مهمتر جمعی  
یکبار چه نبودن مبارزه، نبودن  
اتحاد بین کارگران و دانشمندان  
تشکل واقعی بود. با وجودیکه ما  
چه بصورت فردی و چه با جمع آوری  
طواریه اخراج همکارانمان  
اعتراض کردیم ولی بدلیل اینکه  
نمایندگان سندیکا پشتیبان  
منافع ما نیستند. مبارزات ما  
نخواست شکل متحد و یکپارچه  
بگیرد. برای جلوگیری از  
اخراجهای بعدی و دفاع از منافعمان  
در مقابل سرمایه داران و نمایان  
آنها نمایندگان واقعی خود را  
انتخاب کنیم.



از: اعلامیه‌ها، تراکتها و نشریات

## کارگران پیشرو

### شرکت واحد اتوبوسرانی

شرکت واحد اتوبوسرانی: کارگران  
پیشرو شرکت واحد اتوبوسرانی تهران  
و حومه در اسفندماه ۲۲ تاکنون اعلامیه  
پخش نموده‌اند. در یکی از آنها ضمن  
افتشای "محبوب" مدیر فنی این  
موسسه در تاجیک‌پریشی، مجمع‌های  
عمومی گفته‌اند:

- مجمع عمومی کارگران بگانه تبع  
تصمیم گیرنده و قضاوت کننده است  
که در آن:
- عناصر سازشکار افشاء شده و  
و نمایندگان واقعی کارگران  
شناخته می‌شوند.
- مدیران ضدکارگران را می‌شود  
و شوطه‌ها و سرمایه‌های گوناگون  
آنها را شرمیند.
- بر سرمایه‌ها و نمایندگان کارگران  
افزوده و آنها را هر چه بیشتر به  
حقوق خود آشنا می‌کند.
- فاصله میان شور و کارگران را از  
بین برده و کارگران از نزدیک  
ناظر به کار شور و خواهد بود، و از  
آنچه در شرکت می‌گذرد با خبری شوند.

در اعلامیه دیگران کارگران که در رابطه  
با اعتصاب حق طلبانه زحمتکشان شرکت  
واحد انتشار یافته است به افشاء  
ما هیت ضدکارگری رژیم جمهوری اسلامی  
پرداخته و خواسته‌اند تا قریب ده‌های  
برحق آنان را به گوش تمام کارگران  
وزحمتکشان برسانند. در قسمتی از این  
اعلامیه آمده است که:

"آنها پیشرو ما نه اعتبار کنندگان  
از آمریکا و اتحادیه‌های و شرکست  
و احدا لانه‌ها و اک‌خطاب نمودند.  
اکنون ما می‌پرسیم: آیا می‌گاشی خدا بقلای  
ما هستیم که جلوه‌گر گونه اجاف و زورگوشی  
مقاومت می‌کنیم، یا آنها شیکه کارگران  
وزحمتکشان و کلیه کسانی را که دفاع از  
کارگری نماینده زندانها انداخته  
با ضروری کنندگان هم‌تعدادی از  
کارگران و احدا بر دفاع از حقوق خود  
برندانها انداخته‌اند؟"

بقیه در صفحه ۶

افشاء کرده و خواهان دوروز تعطیل در  
هفته شدند. در بخشهایی از این اعلامیه  
می‌خوانیم که:

"مگر کارگرانی نبود که می‌گفتند  
کارگران بقتل سختی کار باید از  
استراحت بیشتری برخوردار  
باشند؟! ما می‌پرسیم آیا با لاسردن  
ساعات کار و حذف تعطیلات  
برای ما استراحت است؟  
"ما بخوبی میدانیم که نمایندگان  
سازشکار شور و اد حرف خود را می‌ما  
جا می‌زنند ولی در عمل همیشه از  
سرمایه داران و دولت‌ها می‌آنها  
حمایت می‌کنند، حذف تعطیلات  
پنجشنبه‌ها خودگویی این حقیقت  
است، پس بگوئیم با تعطیل کردن  
کار در روز پنجشنبه عوام فریبی  
نمایندگان سازشکار شور و افشاء  
کنیم چون دوروز تعطیل در هفته حق  
مسلم است."

### کارخانه بایر

در اعلامیه ای تحت  
عنوان "چرا موفق نشدید همکاران  
اخراجیما را به سرکار بازگردانیم"  
کارگران پیشرو این کارخانه به بررسی  
مختصر مبارزات کارگران برای  
بازگرداندن کارگران اخراجی پرداخته  
و خواهان انتخاب نمایندگان واقعی  
خود شده‌اند. در قسمتی از این  
اعلامیه آمده است که:

"بانگ‌هایی به مبارزات ۶۰ روزه  
کارگران اخراجی و اعتراضات  
پراکنده، ما باید بدانیم که  
چرا مبارزات ما در کارخانه  
نتوانست به مبارزه جمعی تبدیل  
شود و همکاران ما به کارخانه  
بازگردند.  
یکی از دلایل آن جو غفقا زوتهدید  
به اخراج بود که مدیر نیست و  
عوامش در کارخانه بی‌وجود

### اصفهان

کارگران پیشرو و دو آهنگر اصفهان  
در رابطه با ۳۰۰ نفر کارآموزانی که بعد  
از اتمام دوره کارآموزی خود به  
قسمتهای مختلف کارخانه، و "جهاد"  
جهت کار معرفی شده‌اند اعلامیه ای منتشر  
نموده‌اند، که ضمن طرح مشکلات و  
خواستهایشان به حمایت از انسان  
پرداخته‌اند. در بخشی از این اعلامیه  
آمده است که:

"ما اکنون کارآموزان را که جهت  
بدست آوردن خواستهایشان مبارزه  
می‌کنند از کارخانه به استانداری و  
از استانداری به کارخانه گسیل  
می‌دارند. استانداری اصفهان  
آنها را اخراجی می‌نامد زیرا که  
آنها می‌گویند با وجود این همه گران  
و فشار طاقت فرسائی را که بر  
دوش کارگران وزحمتکشان وارد  
می‌آید حقوق ۱۵۰۰ لی ۱۴۰۰ تومان حتی  
کفاف خرج نان خالی را هم نمیدهند.  
دولتمردان آنها را اخراجی  
می‌نامند زیرا که آنها خواهان تضمین  
شغلی می‌باشند زیرا که آنها به  
بارتی با زحمتکشان دست اندر  
کاران اعتراض می‌کنند. زیرا که آنها  
خواهان دریافت ۳ ماه حقوق عقب  
افتاده خود می‌باشند.

استانداری اصفهان که یکی از  
مهره‌های حکومت جمهوری اسلامی  
است بدین علت آنها را اخراجی  
می‌نامد که بتوانند جلوه مبارزات آنها  
را جهت تحقق خواستهای برحقشان  
بگیرند و هر وقت لازم دیدا اخراجشان  
نماید"

### تهران

کارخانه بنزخا و در اینماه  
کارگران پیشرو کارخانه در اعلامیه ای  
یکی از نمایندگان سازشکار شور و را

برای مقابله با توطئه‌های سرمایه‌داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)

هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم



"با پدیکوشیم تا کارگران این روزنامه را مال خویشان بدانند"

از کلبه کارگران ایران می‌خواهیم که همچون خبرنگاران کارگری در نامه‌های خود حتی جزئی‌ترین مسائل و مشکلات مبارزان، نظیر شکل گیری شوراها، برگزاری مجمع عمومی و... به علاوه بیان خواستهها، نظریات و حسابات کارگران در مورد مسائل گوناگون جامعه، کارخانه و غیره را برای ما بفرستند. برای ما بنویسید که کارگران چگونه در برخورد با مسائل گوناگون پی به ماهیت دشمنان نشان برده و به صفوف کارگران آگاه و پیشرو می‌پیوندند. به همراه اینها مسلماً توضیح موازین در نامه‌ها و شما را اهمیت زیادی بر خوردار خواهد بود.

۱- وضع مالکیت کارخانه - دولتی یا خصوصی - تا ما صاحب کارخانه یا مدیر ۲- نوع تولید کارخانه و حدود میزان آن و تعداد کارگران - مزد و زن ۳- وضع انجمن اسلامی و شورای کارخانه - اگر وجود دارد - و مختصری از حرکت گذشته آنها تا به امروز

نوشته زیر متن نامه است که یکی از کارگران روز مزد برای ما فرستاده و خواستار درج آن در کارخانه است از آنجا که مسائل مطرحه در این نامه گریبانگر اکثر کارگران کارخانه می‌باشد، آنرا در نظریه منعکس می‌نمائیم. این نامه نشان می‌دهد که در رژیم سرمایه داری چگونه سرمایه داران استثمار می‌کنند، اگرکنایه‌های مسلح نگرفتند اما کارگران باید بدانند که برای مبارزه با آنان چاره‌ای جز اتحاد، تشکیلات و مبارزه ندارند.

### "کارگران برخواستن دو ماه پیش خود را کارگران می‌شوند"

"در یک شرکتی مشغول بکار هستیم. نام شرکت (۵ - ۸) است. کارگرها بصورت روز مزد کار می‌کنند. تعدادی از آنها حدود ۳ ماه است حقوق نگرفتند. صبح است. کارگران جمع شده‌اند. صحبت از اعتصاب به میان می‌آید. آنها می‌گویند اول باید حقوق گذشته خود را بگیریم بعد مشغول بکار شویم. کم‌کاری شروع می‌شود. تعداد نفرین در این شرکت کارگاه کار می‌کند. آنها فامیل

سرپرست هستند. اینها جلو کم‌کاری را می‌گیرند... ساعت ۱۰ شد کم‌کاری به چشم می‌خورد. مهندس با موتور داخل می‌شود. کارگرها جلو او را می‌گیرند و به او چنین می‌گویند: جناب مهندس ما پول نداریم. بیشترمان مستاجر هستیم. خرجی زن و بچه نداریم. کار به ما شین نداریم. به ما حقوق بده. مهندس که قبلاً نیز چندبار قول داده بود ما این بار نیز شروع به بافتن آسمان و ریسمان می‌کند. ولی با اراده محکم کارگران روبرو می‌شود و به آنها قول می‌دهد تا ۲ ساعت بعد حقوق بدهند. او به دفتر می‌رود. به شریک دیگرش تلفن می‌زند و در عرض پول، از او می‌خواهد با چند نفر از گردن کلفتها پیش بیایند. ساعتی می‌گذرد. مهندس بزرگ با یک شخص دیگر وارد می‌شوند.

ساعت ۱ است از آنها غور و خور می‌آئیم مهندس یک نفر از کارگران را صدا می‌کند و به او می‌گوید: پول می‌خواهید با پیدا خراج شوید و به وسط کارگاه آمده می‌گوید ما پول نداریم هر کس پول می‌خواهد با پیدا خراج شود. ۲۰ نفر را خراج می‌کنند. یک مدت دار به آنها می‌دهند. در جلوی درب بیرونی قیبل و قال با لا می‌رود. اسکورت مهندس که فردی جوان و قوی هیگل بود ما تنیدار با بان نش دست به جا قووبنجه بوکس می‌برد. یکی از کارگران او را می‌گیرد. به کارگر دیگر مهندس که یک می‌برد قائلناق است تنه می‌زند و چون کارگر از نظر جسمی ضعیف بوده و شیره جانش را این مزدوران میکشیدند در کارخانه ما شین به زمین می‌خورد. کارگر دیگری بیل را بر میدارد و با مهندس در می‌افتد. فرد دیگری با بیل یکی به کمر مهندس می‌زند در این هنگام پلیس می‌رسد و کارگرهای دیگر را دستگیر می‌نماید. رفیق کارگر در قسمتی دیگر از نامه‌اش توضیح می‌دهد که پس از دستگیری کارگران در داخل کارخانه چه گذشت. او می‌گوید: "ما را مدت‌سی در همان پاساژ راه پلیس نگه داشتند تا مهندسها با ما شین شخصی رسیدند. آنها از پاساژها شکر نمودند. ما را از آن پاساژها خارج کردند. ما را به پاساژ و آنورلند دادند. بوده کمیته دیگر فرستادند. در بین راه شخصی که لباس نظامی برتن داشت و او پکت آمریکائی پوشیده بود به ما گفت: ... اینقدر بزرگ شده‌اید که به ما حق شرکت می‌گوئید. یک بلایی سرتان می‌آید و می‌بینم که در خواب می‌ندیدید با شید. غلامه بعد از همه اینها، چند روز نیز به مدت چکها افزوده می‌شود. کمیته‌چی‌ها می‌گفتند اختیار شما در دست ما حق شرکت است. هر موقع بخواهیم توانه شما را خراج کند.

"یکی از هواداران که از مالکی تا بحال در زیرستم ربا بیان و سرما به داران بوده است"

### از اعلامیه و...

## شرکت نوسازی هلیکوپترهای ایران

بقیه از صفحه ۵  
کارکنان پیشرو این شرکت در ترکیب با عنوان "خراج": عیدی مدیریت به کارگران روز مزد" گفته‌اند:  
"در شرایطی که بحران درجا معسبه پیدا می‌کند و غول گرانی و بیکاری هر روز فشا ربیشتری بر دوش زحمتکشان می‌نهد و وارد می‌آورد، مدیریت شرکت به بهانه کمبود بودجه اعلام نموده که تا عید کارگران روز مزد خراج نخواهند شد. او بدین ترتیب بهترین عیدی را در آستانه سال جدید برای کارگران زحمتکش شرکت به ارمغان آورده است... در حالیکه مدیران لبرال با حقوق ۲۰ هزار تومان حقوق خود و سران انجمن اسلامی بدون آنجا که ری تنها به توطئه علیه کارکنان مشغولند به کمبود بودجه فریبی پیش نیست. مدیریت سرسپرده با این عمل خویش یکبار دیگر ما هیت کثیف نظام سرما به داری را پیش از پیش به نما پیش گذارد..."

### فروپین

کارگران پیشرو و قزوبین در اعلامیه‌ای ضمن تاکید بر تشکیل هیئت‌های تحقیق گفته‌اند:  
"در شرایط کنونی که گرانسی، بیکاری، کمبودها و بیچارگی‌ها عمومی و غیره... از هر سوزندگی با زحمتکشان را تهدید می‌کند، سرما به داران وقت را غنیمت شمرده برای درهم شکستن مبارزات و اتحاد ما تهدید به خراج و تعطیل کارخانه می‌نمایند... برای مقابله با توطئه‌های کارفرما و رسیدن به خواسته‌های جرحمان راه دیگری جز حرکت انقلابی وجود ندارد. این حرکت انقلابی، ایجاد هیئت‌های تحقیق بمنظور بررسی علل خراج کارگران، تعطیل کارخانه و جلوگیری از دیگر اقدامات ضد کارگری کارفرما بیان می‌باشد. مهمترین وظایف هیئت تحقیق عبارتند از:

- ۱ - جلوگیری از خراج کارگران بعنوان مهمترین وظیفه.
- ۲ - بررسی میزان و چگونگی تهیه مواد خام بمنظور جلوگیری از تعطیل کارخانه توسط کارفرما.
- ۳ - کاهش ساعات کار کارگران، بمنظور استفاده کارگران بیکار.
- ۴ - از آنجا که در شرایط کنونی، سرما به داران به بهانه‌های گوناگون... سعی در کاهش دستمزد کارگران دارند، هیئت‌های تحقیق باید در دیها و گلاهدردا ربا به سرما به داران، سودهای کلان کارخانه و افزایش حقوق و مزایای مدیران و کارمندان عالیرتبه را افشا نمایند.



# گزارشی از : مبارزات کارگران جنرال مورتوز

روز یکشنبه ۱۹/۱۱ عده ای از طرف را دیوتلو بیوزیون برای مصالحه در مورد سودویزه به کارخانه جنرال مورتوز میروند. آنها با دوشن از اعضای شورای فرمایشی و یک نفر از اعضای انجمن اسلامی مصالحه می نمایند. عضو انجمن در مصالحه خسته می شود میگوید: "... این روزها فدا انقلاب بود ویژه را مطرح میکند. بنظر من در این زمان که ما در حال جنگ هستیم همین دو ماه عیدی و پاداش که دولت تعیین کرده خوب است". خبر گفتگوی او به سرعت برق در کارخانه می پیچید. کارگران که تا کنون با راهاروغ - پردازیها، سهمتهای پیشروانه، عوامفریبی و... دستگاههای تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی اعزام را دیوتلو بیوزیون و روزنامه هایش را دیده اند، بلافاصله به نیت "مصاحبه" می میرند. آنها در می یابند که حاکمیت قصد دارد با بخش این مصالحه حرفهای چند نفر ضد کارگروا بسته به رژیم را بجای حرف کارگران جا زده و بدین ترتیب کارگران را موافق تصمیم خود در مورد سودویزه نشان دهد. اما آنها از آنجا که به قانون شورای انقلاب در مورد سودویزه اعتراض دارند، بشدت خشم آمده و مانع خروج خبرنگاران میشوند. آنها میگویند "باید نوار را به ما بدهید تا ما ببینیم چه حرفهایی از طرف ما زده شده است. و یا بیا تیدیا ما نیز مصالحه کنید و... و یا لاخره بیا ایستادگی نوار را از خبرنگاران نگرفته و قرار میگذارند فردا آنرا بشنوند. فردای آنروز کارگران به ابتکار خویش مجمع عمومی تشکیل میدهند. در جلسه مجمع سیل سئوالات به سمت انجمن اسلامی، مدیریت و شوروی فرمایشی سرآزبوده و کارگران بسته افشای آنها میپردازند. کارگسری خطا به انجمن فریاد میزند "شما ساواک درست کرده اید یا انجمن اسلامی؟ چرا نمایان کارکنین؟... " یکی دیگر از کارگران دادا می دهد " روز ۲۳ دیماه ۲۲ نفر از طرف انجمن اسلامی بسیج شده اند و آنها بدون اینکه کارت ساعت خود را بزنند یا یک سرویس از کارخانه خارج ندهند و معلوم نیست به کجا رفته اند؟ " بدنیال صحبت بقیه کارگران خیلی زود مشخص میشود که اسرافراد بوسیله انجمن اسلامی برای سرکوب نظرات و نیز وهشای انقلابی برده شده اند. کارگری به یکی از آنها میگوید "... رفتید جلو دانستکه هنوز حماقت دادند؟ کارگران مسخدا "بدان محکوم کردن این عمل برداخته و معتزانه میگویند "چرا کارخانه به آنها سرویس داده؟ چرا نارت ساعت بزدند؟... رئیس انجمن کیج وقت میگوید "اگر در

توار مذکور عنوان انجمن از طرف انجمن کارگران صحبت کرده باشد و را تنبیه می کنیم... " اما در مقابل آگاه سی کارگران دیگر فریبکار به سیای و نمیتوانند کار را بیا شد. جوجلسه آنچنان بالا گرفته که افراد سا زشکار شورا خود را مخفی میکنند. بالاخره یکی از نمایندگان سا زشکار رمبیسور میشود که صحبت کند. ولی با شروع اولین کلماتش که بوئی از منافع کارگران در آن نیست، کارگران او را هو کرده و مانع صحبتش میشوند. مدیریت مورد حمله قرار میگیرد. مدیر میگوید خود را بیگناه نشان دهد. با اشاره به قانون سودویزه موبینه شوری انقلاب و امضای بنی مدیر میگوید "من طبق قانون عمل کرده ام". کارگری جواب میدهد "چطور ما وقتی میگوئیم که طبق قانون شما با بد ۳ روز بول استراحت مریض را که بیمه میدهد شما بدهید شما قبول نمیکنید، ولی حالا قانون را به رخ ما میکشید؟ دیگری دادا میدهد "ما در قدیم هر طور شده بود ۴ ماه سود می گرفتیم. بعد از انقلاب خیال میکردیم که وضع ما بهتر میشود... " سئوالات و صحبتهای افشاء گرانسه کارگران ادامه می یابد. مدیر چنان در فشار قرار گرفته که میگوید "خوب اگر ناراضی هستید من استعفا میدهم". کارگران یکپارچه فریاد می آورند: "استعفا بده" جلسه همچنان ادامه می یابد و از این پس صحبتهای پراکنده ای صورت میگیرد و با لاخره کارگران با شنیدن نوار بدون گرفتن نتیجه ای جلسه را بتدریج ترک می کنند. روز سه شنبه یکماه حقوق بعنوان بود. ویژه (یکماه نیز در شهر پیور ماه گرفته بودند) به کارگران پرداخت میشود و با وجود نارضایتی حرکت مبارزاتی آنها افت میکند. بدنیال آن انجمن اسلامی و اعضای ضد کارگروا به همراه مدیر لیبرال برای مقابله با مبارزات کارگران تصمیم میگیرند تعدادی از کارگران آگاه و مبارز را اخراج نمایند. آنها حتی از کارگران را اخراج می کنند تا به خیال خود مانع ادامه مبارزه کارگران شوند. اما این عمل ضد کارگری اعتراض کارگران را به همراه می آورد. کارگران میگویند "اگر اینها اخراج شوند با این گرانوی بیکاری چطور خرج زن و بچه هایشان را در بیا ورنندویا: "مگر اینها چه گفتند؟ فردا هر کسی حرف کارگروا بزند اخراجش میکنند یا دوباره مثل سابق شده و...". کارگران اخراجی میگویند "باید ما را در حضور کارگران محاکمه کنید و اگر آنها رای دادند ما از این کارخانه خواهیم رفت. لیکن مدیر، انجمن و نمایندگان ضد کارگروا که موقعیت خود را در خطر می بینند از ابتکار

تا کنون خوداری کرده اند. مبارزه کارگران اخراجی برای بازگشت به سرکار همچنان ادامه دارد. کارگران و نیروهای "پیشرو" در جریان هر مبارزه خویش به تعارض جدیدی دست می یابند. آنها از ابتزاه با بی بردن به اشکالات حرکت خود آگاه هنر شده و آبدیده میگردند. این تجارت را در مبارزات جدید بکار گرفته و از ابتزاه به جلوگیری برداشته و خود را برای نبرد قطعی با سرمایه داران و دولتشان آماده میسازند. مبارزه کارگران جنرال مورتوز نیز برای آنها و سایر همزمنا نشان در سهایی به همراه داشت. آنها یکبار دیگر به ضرورت داشتن شورایی انقلابی در این شرایط پی بردند. کارگران جنرال مورتوز در اعتراض به کم بودن سودویزه موفق میشوند که متعده مجمع عمومی تشکیل دهند. در مجمع بدرستی مدیران، انجمن اسلامی و نمایندگان ضد کارگروا افشاء نمایند. اما این صحبتها غالبا "پراکنده" بوده و به نتیجه واحدی منبیرسند. تعدادی از کارگران آگاه بدون توجه به خواست عده کارگران یعنی سودویزه تنها "انحلال شورای فرمایشی" را مطرح میکنند که نتوانست موفق باشد. هر نیرویی که بدون توجه به زمینه عینی مناسب و خواست مشخص کارگران نخواهد تنها خواست "خودش" را مطرح کند، بی شک راه بجائی نخواهد برد. دیگر کارگران پیشرو نیز نتوانستند صحبتهای کارگروا در جهت هدایت عده کارگران یعنی سودویزه هدایت کرده و به نتیجه گیری مشخصی در این مورد برسند. بهمین جهت با گذشت مدتی کارگران بتدریج جلسه را ترک می کنند. کارگران پیشرو میتوانستند با جهت دادن به افشاء گریها و بحثها در جهت سودویزه کارگروا را به گرفتن تصمیم واحدی هدایت کنند. آنها قادر نبودند برای گرفتن سودویزه حتی ایسده" انتخابات شورای جدید را بمیسان کارگران برده و با شکل دیگری نظیر "هیئت تحقیق" برای دست یابی بدان تشکیل دهند. اکنون در شرایط فعلی کارگران پیشرو با ید به حمایت از کارگران اخراجی پرداخته و آنرا وسیعاً در میان کارگران تبلیغ نمایند. آنها باید اعتراضات فردی کارگران را به حرکت جمعی بدل کرده و برای بازگرداندن اخراجیها بکوشند. آنها باید در هر گام از نوم تشکل واقعی کارگران را مطرح ساخته و از ابتزاه کارگروا بزدار دست تشکیل شوروی انقلابی سوق دهند.

\*\*\*\*\*

## دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

# یادداشت‌هایی از : کارخانه فیلور

طبقه کارگران ایران در چند سال اخیر تبار مپارزانی فراوانی آموخته است این تبار را طبقه کارگران زکاتال شرکت در اعمایات، نظارات خیابانی، قیام و غیره... کس کرده است یکی از شیوه‌ها می‌گردد عمدتاً بعد از قیام به آموزش متقابل کارگران کمک فراوان کرده است تشکیل مجمع عمومی است. در مجمع عمومی کارگران مسائل خود را به بحث می‌گذارند، شرکت وسیع کارگران در این بحث و جدل‌ها، باعث ایجاد ارتباط سیاسی بیشتر میان کارگران می‌شود. و به ارتقاء آگاهی سیاسی آنان کمک می‌کند آنها در جریان شرکت در مجمع عمومی در می‌یابند که با همت همراه حل موثر، برای کسب حقوق خود، تنها با تکیه بر عمل انقلابی نشده کارگران می‌رست. آنها در عمل نمایندگان واقعی خود را می‌شناسند و به ماهیت نمایندگان سازشکار شورای کارخانه پی می‌برند و دیگر فریب، وعده وعیدهای این نمایندگان را نمی‌خورند. آنها در عمل به ماهیت قوانین سرمایه داری و طبقات حاکمه پی می‌برند و در این مسیر است که شکوفه‌های پربار فردا جوانه می‌زند گزارش زیر را یادداشت‌های یک رفیق کارگر است که از کارخانه فیلور برای ما فرستاده است.

این سومین مجمع عمومی در طول این دو هفته بود، در دو مجمع عمومی گذشته کارگران نمایندگان سازشکار خود را افشا کردند. آنها توانستند یکی از خواسته‌های خود را به نمایندگان شورا و هیئت مدیره کارخانه بقبولانند. کارگران در این دو مجمع عمومی از ضرورت ایجاد شورای انقلابی و نظارت و دخالت کارگری صحبت می‌کردند. آنها خواستار پرداخت ۲۵ میلیون تومان سود کارخانه در سال ۵۸ بودند. کارگران قاطعانه پرداخت سود ویژه را بر اساس سود سال جاری مطالبه می‌کردند. ساعت ۱۰ صبح جلسه مجمع عمومی شروع شد. کارگران و کارندان دوشیفت در جلسه حضور داشتند. ابتدا یکی از نمایندگان شورا صحبت‌ها را آغاز کرد: "ما توانستیم با وزیر کار تماس بگیریم اما وزیر وقت آمدن به کارخانه را نداشت لذا معاون ارتباطات تشریف آوردند."

معاون وزیر این پاوان باشد، به کارگرها نگاه می‌کرد و حرف می‌خورد. انکار داشتی خنجر به شکم فرو می‌کردی و گفت: من بیایم مدهام تا جواب مسائل بشما بدهم.

مزمه اعتراض کارگران با لاکر فته از هر سو این صدا بلند شد: ۲۵ میلیون تومان متعلق به ما است، سود ویژه را باید بپردازید. معاون وزیر گفت "وزارت کار مجری قوانین است و نمی‌تواند قوانین جدید وضع کند یا بیداند که ما در فکر شما هستیم، با بدطبق قانونی آنرا پیدا کنیم، تا این طریق پیدا نشود تا مجلس شورای ایلامی آنرا تصویب نکند ما قدرت پرداخت آنرا نداریم"

کارگری در جواب وی می‌گوید: "این ۲۵ میلیون تومان حاصل یک سال جان کندن ما است این پول شیره جان ما است، حاصل دسترنج ما است، تازه اگر قانونی نبود چرا مالباختن را کم کرده اند؟" دیگری ادامه می‌دهد: "حالا که قانون ندارد ما جلوی خروج بیخود آنرا می‌گیریم تا قانون پیدا کند."

کارگر دیگری پشت تریبون رفت "وقتی می‌خواهند پول ما را پرداخت نکنند می‌گویند قانونش نیست اما دو سال است که حق ما را خورده اند..."

قانونش وجود دارد. آقای معاون وزیر شما درد ما را می‌فهمید؟ روزی ۶۵ تومان حقوق می‌گیریم، نصف آن را باید بجا آوریم. آن‌ها می‌گویند ما ۸۰۰ هزار تومان در آنجا زندگی می‌کنیم هم اگر یک کیلو گوشت بخرم ۵ تومان یا بیدرویش بگذارم. اگر بخرم ۵ کیلو بیشتر نمی‌شود آیا گران شدن جنس قانون دارد؟ چرا حقوق ما یکسال ثابت مانده است حقوق هر فرد باید از روزی میزان احتیاج او تعیین شود.

کارگر دیگری از زه صحبت می‌گیرد "در دو سال حکومت جمهوری اسلامی باز هم بر شروت سرمایه داران و تاجران بازار اضافه شده است به سرمایه داران بزرگ فرصت داده شد که تنه سرمایه داران را به پول تبدیل کنند و بخارج فرستند کدام کارخانه را دولت از دستت سرمایه داران گرفته است که ورشکسته نبوده است اما بی‌بینیم حکومت جمهوری اسلامی با کارگران چه کرده است؟ دو سال است که ما بر سر سود ویژه کلنجار می‌رویم. گفتند این سود ویژه کلکی بوده که سرمایه داران زمانه زده اند. ما هم قبول کردیم. اما حالا چرا نمی‌آیند سود حقیقی را به ما بدهند؟ معاون وزیر با حالتی خشمگین در مانده سراجیش ایستاده بود. کارش می‌زد، خوش در می‌نمود. می‌خواست حرف بزند، اما کلمه برای گفتن پیدا نمی‌کرد، لسانش را در آتش غصه پخت گساز می‌گرفت.

بالاخره آقای معاون وزیر این پا و

آن پا شد و گفت "مساعدت ۲۲ روز وزارت کار با بیدریک جلسه شرکت کنیم و با بیدروم. این پول اگر بپردازا ختنی بود می‌پردازا ختنند. صدای اعتراض کارگران با لاکر فته نظم جلسه بهم خورد. معاون وزیر در حال رفتن بود. همه کارگران یکصد می‌گفتند "نگذارید فرار کنند، فرار نکن و ایستنا جواب بده" اما معاون وزیر با همکارانش با بندگان سازشکار شورا از در بغل فرار کرد.

برای چند دقیقه جلسه متشنج شد، یکی از کارگران پشت تریبون رفت و گفت "با همه نمی‌توانیم تصمیم بگیریم موضوع اصلی این است که ما الان چه می‌توانیم بکنیم تا به خواسته‌های خود برسیم طبق قرار قبلی همه موافقت کرده بودند که مانع خروج تولید بشویم، آیا الان هم کارگران بسر این تصمیم هستند؟ همه کارگران با با لاکر فته دست خود را اعلام موافقت می‌کنند.

کارگر دیگری سخنرانی می‌کنند: جلوی خروج تولید را گرفتن یک مسئله است. اما همه نمی‌توانیم، هر روز اینجا جمع بشویم و مجمع عمومی تشکیل بدهیم یا به هیئت تشکیل بدهیم تا تحقیق کند مواد اولیه از کجا می‌آید؟ جقدر مواد موجود است؟ مورمالی کارخانه چگونه است؟ سود و منفعت کارخانه در سال جاری چقدر است؟ وضع برادران کارگر ما در کارخانه‌ها دیگر چگونه است؟

همه کارگران موافقت کردند. پس برای تشکیل این هیئت نمایندگان از قسمت‌های مختلف کارخانه انتخاب شدند. بدین ترتیب کارگران با تشکیل هیئت تحقیق یک گام دیگر جلوتر برداشتند. هیئت تحقیق با نمایندگان شورا مذاکره می‌کنند. به شورا مهلت می‌دهند که اگر تا روز شنبه به خواسته‌های کارگران پاسخ ندهند کارگران متحداً مانع خروج تولید خواهند شد.

آری امروز کارگران تجربه دیگری آموختند و با تشکیل هیئت تحقیق خود را برای مبارزه متحد و یکپارچه آماده کردند.

**در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید**

**سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید کرد**



# هیئت حاکمه و مسئله ارضی

## • ضوابط واگذاری

در این قانون بگونه‌ای قاننون برعکس قاننون زمینداری کابینه بازرگان، تعریف مشخصی از "شخصای حقیقی و حقوقی" که به آنها زمین واگذار میشود، بعمل آمده است. انگیزه محوری تصویب قانون قبلی تشبیه مالکیت خصوصی مالکان بر زمین و از این طریق مهار کردن جنبش های دهقانی بود. از اینرو از اشخاصی که به آنها زمین واگذار میگردد بعنوان "حقیقی و حقوقی" و "ساکنین محلی" نام برده میشود. اینها می‌تواند اشخاص مختلف ساکنین محلی، کشیده میشد. اما انگیزه اصلی این قانون جلوگیری از اقدامات خودسرانه دهقانان و معادله زمین و از این طریق حفظ حرمت مالکیت میباشد. به این ترتیب الزاماً "بها" قبلی در مورد اشخاص رفع شده و مشخصاً در واگذاری زمین، به روستا ثیان بدون زمین یا کم زمین یعنی متحرکترین و انقلابی ترین قشر دهقانی در جنبش معادله زمین، اولویت داده شده است؛ اما خجالتیزدانی خود اهد بود اگر تصور شود که حتی با اجرای کامل این قانون (حتی بدون در نظر گرفتن هدفیاتی که اخیراً در مورد بندج و ادال بعمل آمد)، کلیه روستا ثیان بدون زمین یا کم زمین به خرده مالکان (دهقانان میانه حال) تبدیل خواهند شد. زیرا: اولاً در قانون آمده است که "واگذاری بهره برداری از زمین برای مدت معین (چند سال) با توجه به شرایط خاص منطقه است و در صورت عملگرمرد مطلوب واگذاری زمین تمدید میشود." یعنی زمین فقط جهت بهره برداری و به طور موقتی در اختیار روستا ثیان قرار میگردد. روستا ثیان طرف مدت محدودی با بهره‌مندی زمینهای موات و با بهره‌مندی در محل و یا نزدیک آن به آنها واگذار میشود، با امکانات محدود خود و به صورتی مطلوب به سطح بهره برداری برسانند و در صورت عدم عملکرد مطلوب واگذاری زمین تمدید نمیشود. ما قبلاً در بررسی قانون زمینداری کابینه بازرگان، نتیجه پروسه‌ای که این دسته از دهقانان طی خواهند نمود، یعنی

پروسه تبدیل دهقانان به نیمه پرولتاریا و پرولتاریای شهری و روستا را نشان دادیم. در اینجا نیز اکثر دهقانانی که زمینهای موات و یا بی بهره آنها واگذار میشود به علت عدم امکانات کافی برای بهره برداری مطلوب از اراضی واگذار شده، پس از گذشت مدت معین واگذاری زمین به آنها تمدید نمیشود و عملاً در طی این مدت معین در پروسه استحاله به نیمه پرولتاریا و پرولتاریای شهری و روستا قرار میگیرند. مثلاً، مدت اعتبار سند واگذاری آن دسته از دهقانانی که "عملکرد مطلوب" در بهره برداری از زمین را هم داشته اند، لزوماً تمدید نمیشود. در آئین نامه اجرائی این قانون، تمدید واگذاری زمین، صرف نظر از عملکرد مطلوب، بشرط انجام کلیه تعهدات و "سیاست کشاورزی جمهوری اسلامی ایران" پیش بینی شده است. گنجاندن شرط انجام کلیه تعهدات در تمدید واگذاری زمین، تمهیدی است که حکومت برای کنترل و در انقباض قرار دادن دهقانان به آن متوسل شده و در راستای سیاست سرکوب جنبش های دهقانی قرار دارد. یعنی اینکه واگذاری زمین به آن دهقانانی که "خودسرانه" به اعمالی دست میزنند و به "تعهدات" خود در قبال جمهوری اسلامی که حکومت آن را تعیین میکند، پایبند نمی باشند، لغو میشود. ما در تحلیل از نقش هیات های هفت نفره در روستا به این موضوع برخوردیم گشت. به هر حال، حتی عملکرد مطلوب و انجام کلیه تعهدات به تنهایی ضمانت تمدید شدن زمین نمی باشد، بلکه سیاست کشاورزی جمهوری اسلامی ایران تعیین کننده است، و سیاست کشاورزی خود نتیجه برآیند قدرت هیات حاکمه و جنبش های دهقانی است، و یا در شرایطی، نتیجه نیاز سرمایه به نیروی کار و گسترش بازاری است. ثالثاً تذکرات این نکته ضروریست که اصولاً این عقیده که میتوان بطریقی کلیه روستا ثیان را به خرده بورژوازی تبدیل کرد، لاطلاعاتی بیش نیست. اگر اولین قانون معوب شورای انقلاب و یا حتی طرح خرده بورژوازی رضا اصفهانی نیز به اجراء می آمد، نمیتوانست به خرده مالک شدن کلیه روستا ثیان طی یک دوره زمانی - سیاستمدار - بالاخره در اثر تراشیده‌های بهره‌دهی

زمین و امکانات متفاوت (حتی در صورت تقسیم زمین بطور مساوی) پروسه تجزیه دهقانی بصورتی عملی میشد. در ضوابط واگذاری زمین، بغیر از ضوابطی که فوقاً به آن اشاره شد، عوامل محدودکننده‌ای در مورد چگونگی کاشت، داشت و برداشت نیز گنجانده شده است: "زمین بدون عذر موجه نباید معطل بماند." "با بد عملکرد در زمین بگونه‌ای باشد که موجب اتلاف زمین نشود." زمینهای واگذاری قابل انتقال نمیباشد، مگر با اجازه دولت. "و" کشت در زمینها با توجه به نیازهای جامعه باشد." در صورتیکه گیرندگان زمین مرتکب تخلف از هر یک از تعهدات و یا مقررات قانون گردند، علاوه بر پرداخت خسارت وارده مکلف به رفع یا از اراضی و متعلقات آن میباشد. و غیره. این ضوابط عملاً قدرت تصمیم گیری در مورد اداره اراضی را از دهقانان سلب کرده و آنها را در پروسه کنار کت و وزی به نیمه پرولتاریا تبدیل میکند. اگرچه آنها را از نقطه نظر رابطه با وسایل تولید هما تند دهقانان (خرده بورژوازی روستا) بحساب می‌آیند، لیکن خود مختاری نسبی را که دهقانان صاحب زمین در مورد چگونگی و نوع کشت از آن برخوردار است و تنها از طریق مکانیسم بازار امکانات تولیدی در محل محدود میشود، فاقد بوده و کار فرما ثیاد - بصورت هیات های هفت نفره - در بالای سر خود می‌یابند. از اینرو جایگاه آنها بسیار وجود در اختیار داشتن قطعه‌ای زمین تقریباً شبیه به پرولتاریای روستا میشود. این تضاد مادام که زمین در اختیار دهقان است، ولی اداره زمین بطور نسبی بر عهده ارگان دیگری است، تا هنگام تجزیه این قبیل دهقانان، ادامه می‌یابد. لیکن طی این پروسه، ارگانهای دولتی اقتدار خود را بر دهقانان، به مانند کارفرمای رسمی، اعمال میکنند. شریف زاده یکی از اعضای سازمان اصلاحات ارضی در رابطه با حل مسائل کشاورزی چنین عنوان میکنند: "مثلاً به کتا ورزان همدان اظهار کرده‌ایم که اگر طرف ۵ روز ارضی خود را به زیر کشت نبرند تحت تعقیب قرار خواهند گرفت" و یا "بهر حال در این شرایط (منظور

بقیه در صفحه ۱۰

## زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

بقیه از صفحه ۹

شرایط جنگ است) ما فقط میتوانیم جلوی کم کاری کشاورزان... را بگیریم... همچنین مسئول کمیته جهاد سازندگی افتخار دارد که اعلام نماید "از اقدامات دیگری که جهاد سازندگی... انجام داده است اضافه کردن ساعات کار روزانه کشاورزان و افراد کمیته کشاورزی در مناطق گرمسیری است. ساعات کار روزانه در این مناطق از ۱۲ ساعت به ۱۶ ساعت افزایش یافته است." (نقل قولها از کمیته ۳۳ با ۵۹) این اظهار نظرها خود گویا تراز آنست که احتیاج به تحلیل داشته باشد. ارگانهای دولتی پمنا به کار فرمای واقعی روستا - جلوی کم کاری کشاورزان را بگیرند، در صورت تخلف آنها را تحت تعقیب قرار میدهند و ساعات کار را برای افزایش بازدهی، اضافه میکنند. از اینروست که ما گفتیم بجایگاه دهقانان در سازمان اجتماعی کار تقریباً "شبه به - هولوئتا ربا یروستا میشود.

# هیئت حاکمه و مسئله ارضی

سپردن انجام امور به هیاتهای از بالا در راستای همان سیاست سرکوب جنبش دهقانی و جلوگیری از اقدامات خودسرانه آنها (یعنی) معادله زمین، تشکیل شوراهای... میباشد بر طبق قانون و گذار از زمین وظایف گوناگون در حیطه عمل هیاتهای هفت نفره قرار گرفته است. به چند نمونه از این وظایف توجه کنید: "حل و فصل قضاوتی مورد نزاع مربوط به اجرای این قانون"، "واگذاری زمین با توجه به مواد این لایحه"، "تخصیص صلاحیت و میزان استفاده از اموال و امکانات کشاورزی در طول اجرای این قانون" و همچنین "واگذاری زمین (بر اساس تشخیص هیات) جهت صدور تراکت و تعارضات و یا فردی باشد.

سیاستهای ارضی جمهوری اسلامی نباشد. نمونه بارزی از این امر را میتوان با القاء واگذاری ارضی مالکان (حذف بندج و دال) نشان داد. اکنون هیاتها موظفند که از محدوده ارضی مالکان حفاظت کنند، حتی اگر عناصری از درون هیاتها، این نقش ژاندارمی خود را نپذیرفته باشند، بدین ترتیب این هیاتها با تمام ناهماهنگیهایش هم اکنون نیز (کم و بیش) نقش ژاندارم - مباحثی دولت را بر عهده دارند، و این نقش پس از طی مراحل که عناصری از آن کناره میگيرند و یا تصفیه میشوند، بصورت مشخص تر و منسجم تری بساز میشود.

بدینسان پس از گذشت ۲۴ ماه از استقرار جمهوری اسلامی، رساله زمین همچنان باقی است. هیات حاکمه در تمام طول این مدت عملاً جز دفاع از منافع مالکان و سرکوب جنبشهای دهقانی قدم از قدم برداشته است. اگر هیات حاکمه در مقاطعی از زمان تحت فشار از پاشین و تفادهای درونی خود به دادن امتیازاتی موقتی و محدود پرداخت، در شرایط مناسب زمانی دیگری و قبل از آنکه این امتیازات بمرحله اجراء آیند، بسبب مواضع اصلی خود بازگشت.

در ابتدای استقرار جمهوری اسلامی، هیات حاکمه با صدور فتاویها اعلامیه ها و دستورالعملهای خود در مورد "قانونی نبودن و شرعی نبودن اقدامات دهقانان در سلب مالکیت از زمینداران، به دفاع از حقوق مالکان پرداخت. لایحه زمینداری ایزدی که از تصویب شورای انقلاب نیز گذشت، تکمیل اقدامات قبلی حاکمیت بود. لیکن این لایحه از ابتدا ۴ بوسیله جنبش معادله زمین، عملاً مهرباطل خورده بود. سپس در کربودار مبارزات با مصطلح "مدا مهربا لیستی" هیات حاکمه (که اکنون با آزادی گروگانها، تب آن فرونشست!) و طرد "دولت موقت" با زرگان و در شرایط اوج گیری مبارزات توده ها و در اینجا گسترش و تعمیق مبارزات دهقانی، خرده بورژوازی - درون حاکمیت بنما بندگی رضا صفهانی مبهوت از جارجنا لهای حاکمیت، به تدوین طرح خرده بورژوازی اصلاحات ارضی پرداخت. تنها در این زمان است که یک موج وسیع تبلیغاتی درباره "بهبود وضعیت دهقانان"، تقسیم زمین و محدودیت مالکیت بر زمین آغاز میشود. اما این موج تنها در گفتارها و مصاحبه های مطبوعاتی بروز کرد. سرانجام، لایحه خرده بورژوازی، در شورای انقلاب و پس از تصدیقها، تصویب رسید. ولی قبل از آنکه به مرحله اجراء آید و یا حتی انعکاس خارجی پیدا کند، دوباره در شو رای انقلاب مورد تجدید نظر قرار گرفت. و "شیر خرده بورژوازی" که در نشست اول شورای انقلاب دست و پای خود را زدست داده بود، در نشست های بعدی پال و دم و شکم را نیز بر باد داد! لایحه اول فقط بمدت ۲۰ روز بر روی کاغذ رسمیت

بقیه در صفحه ۱۸

## ● هیئت مسئول و واگذاری زمین

در قانون واگذاری ارضی که در زمان "دولت موقت" از تصویب شورای انقلاب گذشت، وزارت کشاورزی مسئول اجرای طرح بود. "مرجع صدور اجازت واگذاری موقت و اظهار نظر در مورد انجام طرح" را کمیسیون مرکب از نمایندگان شورای دهستان، شورای کشاورزی شهرستان و وزارت کشاورزی و عمران روستایی، بعهده داشت که تحت نظارت وزارت کشاورزی با انجام امور موله می پرداخت اما در این قانون مسئولیت اجرای قانون بعهده ستادی مرکزی در تهران (مرکب از نمایندگان تام الاختیار که عبارتند از حاکم شرع و ولی امر، ۲- وزارت کشاورزی، ۳- دادگستری، ۴- وزارت کشور، و ۵- جهاد سازندگی) تفویض شده است. مسئولیت انجام امور قانون از قبیل واگذاری زمین، تشخیص صلاحیت و... به یک هیات ۷ نفره در هر منطقه (مرکب از: ۱- دو نفر نماینده وزارت کشاورزی، ۲- یک نفر نماینده وزارت کشور یا استانداری محل، ۳- یک نفر نماینده جهاد سازندگی، ۴- یک نفر نماینده حاکم شرع و ولی امر و دو نفر نماینده مردم ده به تا شید نما بنده حاکم شرع) واگذار شده است.

در طرح جدید، ستاد مرکزی (ارگان ترکیبی از جناح های هیات حاکمه جایگزین وزارت کشاورزی شده و هیات های هفت نفره جایگزین کمیسیون" با این تفاوت که نقش و اهمیت هیات های هفت نفره در اینجا بسیار آزرده "قانون واگذاری ارضی" بمراتب افزایش یافته و در واقع فعال میباشد روستا بحساب می آید. وظایفی که در حیطه عمل شورا های دهقانی قرار دارد به ارگانهای "از بالا یاخته" شده "سپرده شده" است. حتی دو نفر نماینده مردم ده وقتی بعنوان نماینده محسوب میشوند که حاکم شرع نمایندگان آنها را تأیید کرده باشد، وگرنه نماینده مردم ده نیستند محدود کردن حق انتخاب نماینده و نادیده گرفتن شورا های دهقانی و

بدین ترتیب، هیات مسائل مورد نزاع را حل میکند، به روستائیان زمین میدهد، در مورد چگونگی اداره زمین تصمیم گیری میکند، صلاحیت و میزان استفاده از اموال را مشخص میکند و... در یک کلام، هیات، بنی روستا را درست گرفته و نقش ژاندارم و مباحث دولت را در آنجا انجام میدهد. وظیفه این هیات ها فقط محدود به کشاورزانی که به آنها زمین واگذار میشود نیست، بلکه عملاً کلیه امور مربوط به کشاورزان را کنترل کرده و بر کار آنان نظارت میکنند. در کمیته ۳۳ با ۵۹ آمده است که "هیاتهای ۷ نفره واگذاری زمین طی اطلاعیه ها شی از کشاورزان مناطق مختلف خواسته اند که هر چه زودتر کشت یا شیز را شروع کنند هیاتهای ۷ نفره واگذاری زمین در اطلاعیه هایشان متذکر شده اند که بلا استفاده گذاشتن ارضی قابل کشت یا شیزه در مناطقی مانند دریا بجان غربی و فارس و سایر مناطق جرم محسوب میشود و کشاورزان باید هر چه زودتر با تهیه بزرگنمد آبی، زمینهای قابل کشت را بکارند.

در همین حال، هیاتهای ۷ نفره هنوز از انجام کافی برخوردار نیستند. ترکیب کنونی این هیات ها بصورتی است که نه تنها در داخل فرهنگ کم و بیش ناهماهنگی ها ش وجود دارد، بلکه مهمترین عملکردهای آنها مختلف در مناطق مختلف یکسان نیست. در اینجا و آنجا اقداماتی بر علیه دهقانان و بر ضد زمینداری بزرگ از طرف برخی از این هیاتها صورت گرفته است (مثلاً در شهسوار) این گونه اقدامات بود که وزیر کشاورزی کنونی را بر آن داشت تا بر "دقیقت عملکرد بیاداران هیات ۷ نفره" و این "خدای نا کرده اشکال و اشتباهی" از طرف آنها رخ نهد، تا تأکید کند (جمهوری اسلامی، اول آبان ۵۹). با این حال، و با وجود عنا مرصده شود ال و ضد زمینداری بزرگ در این هیاتها، عملکرد عمومی آنها نمیتواند در چهارچوب



# تجارت خارجی، حاکمیت و اپورتونیست‌ها

وزارت بازرگانی قرار گیرد "ومیزان  
دراول دیماه تحت عنوان "قوانین  
رجائی آبی ملی کردن بازرگانی خارجی  
را قرا موش کرده ایدوبیا ۰۰۰" می‌نویسد  
" اصل ۴۴ قانون اساسی که صراحت در  
ملی شدن بازرگانی خارجی دارد یکی  
از انقلابی‌ترین اصول اساسی بشمار  
میرود . . . . .

لیبرال‌ها حتی تا آنجا پیش می‌روند  
که جهت کنترل هرچه بیشتر رقیب  
خواهان گسترش دولتی شدن بازرگانی  
به حیطة تجارت داخلی نیز می‌باشند  
مثلاً بنی‌صدر نظر لیبرال‌ها این چنین  
خلاصه می‌کند: "تا زمانی که موفق نشویم  
بازرگانی داخلی و خارجی را تغییر  
دهیم و از دست توزیع کنستیتوسیون  
در بیاریم . . . مشکلی حل نخواهد شد.  
(کتابها، ۶/۱۵) و با روزنامه  
میزان می‌نویسد "انتزاعی تلقی  
نمودن بازرگانی خارجی زبا زنگانی  
داخلی . . . عملی با صواب و با روح حاکم  
برقانون اساسی مغایر است  
(میزان اولدیماه ۵۹). روشناست که  
علاوه بر دولتی شدن بازرگانی خارجی به  
دست گیری بازرگانی داخلی توسط  
دولت نیز مورد نظر لیبرال‌ها است  
و برای این خواسته خود نیز دلیل بسیار  
ساده و قانع کننده‌ای دارند زیرا  
"اگر قرار بر این باشد که فقط تجارت  
خارجی ملی شده و دولت توزیع را بعهده  
نگیرد، کاری است که به نفع تجارت  
خواهد بود. چرا که برای واردکننده  
خیلی راحت خواهد بود که دولت با  
سختی کالا را خریداری و تا مرز حمل کند و  
تجار هم با تحویل گرفتن کالا مرز  
احتکار روسا بر شرکده‌ها به نفع شرش  
خود دست یابند (کتابها ۱۰/۱۷) اما در  
عوض حزب جمهوری اسلامی از بدو تمویب  
این طرح به مقابله با آن برخاسته و  
درغایت امر تمام می‌کوشد خود را  
تفسیر و تغییر آن در جهت منافع "تجار  
و با زاریان محترم" (با بقول آیت  
الله خمینی ستونهای ستبر اسلام  
و انقلاب) نهاده است. حزب جمهوری  
بخصوص تمام سعی اش برای این است که  
حتی در صورت دولتی شدن تجارت خارجی  
(البته با خرج و تعدیل های مورد نظر)  
بهیچوجه به حیطة قدرت تجار در داخل  
مملکت تعرضی صورت نگیرد زیرا او نیز  
میداند که در شرایط فعلی حداقل در  
برخی موارد برای واردکننده خیلی  
راحت خواهد بود که با سختی (!) کالا را  
خریداری و تا مرز حمل کند و تجار نیز  
با تحویل گرفتن کالا مرز و احتکار روسا بر  
شکرده‌ها به نفع شرش را خود دست یابند.  
برای آشنائی با نظریات حزب در  
این مورد به قطعه‌ای "سمینا را اقتصادی  
شورای هماهنگی اصناف" حزب جمهوری  
اسلامی به تاریخ ۱۱ تیرماه ۵۹ مراجعه  
می‌کنید در بند ۱۱ این قطعه می‌خوانیم:  
"وزارت بازرگانی که مسئول . . . در  
اختیار گرفتن بازرگانی خارجی است،  
باید توجه داشته باشد که قبل از تشکیل  
سازمانهای عربی و طوییل با پد سستی

سوی تا حدودی بحران تعدیل میگردد.  
از سوی دیگر بنا بر قیاب از نظر اقتصادی  
و اعمال کنترل بر گسترش سرمایه تضعیف  
و خلغ ید میگردد (در بخش خصوصی) در عین  
حال بخش صنعتی خواهد توانست. فارغ البال  
از گریه رقصانی های بخش خصوصی تجاری با  
سود بردن از "بیثباتی" هر چه سریعتر  
چرخهای زنگ زده و تولید وابسته خود را به  
گردش درآورد. این جناح در شرایط فعلی  
حتی با کمال میل حاضر است دولتی شدن  
را تا حدی به بخش تجارت داخلی تمیز  
تعمیم دهد تا سهم " هر چه کمتر رقیب  
رقیب خود گرداند.

۲ - مسلم است که جناح بورژوازی  
تجاری تا حد امکان در مقابل این حرکت  
با بیاداری خواهد کرد و حتی المقدور سعی  
می‌کند در عین تقویت بخش خصوصی  
تجاری، در صورت عدم امکان گریز دولتی  
شدن تجارت خارجی این عمل را با  
همکاری بخش خصوصی و بصورت تلفیقی  
از دو بخش بسرا انجام رساند.  
تعمای شواهد و قرائن موجود که  
چند نمونه آنرا در زیر می‌آوریم در نظر  
نظریات قرار دارد.



مساله دولتی کردن تجارت خارجی  
اولین بار توسط بنی‌صدر در مجلس  
خبرگان عنوان شد و با "پیگیری" وی!  
در قانون اساسی گنجانده شد. پس از  
جدال فراوان بر سر چگونگی شیوه اجرای  
آن در ۲۲/۲/۵۹ به تصویب شورای انقلاب  
رسید و بعد از تدوین آئین نامه اجرایی  
آن با لایحه در تیرماه ۹۵ مورد تصویب  
هیئت وزیران قرار گرفت و با لایحه در  
۲۷ مرداد یعنی بیش از ۹ ماه پیش از  
تصویب قانون اساسی وزیر بازرگانی  
وقت در مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت:  
"تجارت خارجی در مورد فلزات، کاغذ  
چوب منسوجات و الیاف ملی شد و سه مرکز  
تهیه و توزیع کالا، واردات و توزیع  
فلزات . . . را بعهده می‌گیرند" (انقلاب  
اسلامی، مرداد) این مساله نیز عملاً معسوق  
ماند تا اکنون که اصل "ملی شدن تجارت  
خارجی" در مجلس مورد بحث قرار گرفته  
است.

در تمامی مقاطع این کش و قوسها  
لیبرال‌ها مدعا و ما "خواستار" اجرای  
دقیق " این اصل گشته اند از جمله  
انقلاب اسلامی شهریورماه می‌نویسد  
اجرای دقیق اصلی ملی کردن تجارت  
خارجی که از انقلابی‌ترین اصول  
قانون اساسی جمهوری اسلامی  
می‌باشد به مفهوم واقعی آن بایستی  
در سر لوحه برنامه کار مسئولین

اپورتونیست‌ها با ردیگر مساله دولتی  
شدن تجارت خارجی، که با دروغ و فریب  
به اسم "ملی شدن تجارت خارجی" به  
خود مردم داده میشود طرح گشته است.  
علت اصلی طرح دوباره این مساله در  
مقطع کنونی، فشار شدید گران و تورم  
لجام گسیخته‌ای است که در اثر احتکار  
بازاریا و سرما به داران داران خورده  
و شدت یافته و می‌رود تا توده‌های تحت  
سرمایه زور و روری حاکمیت قرار دهد. بنه  
این علت است که حاکمیت بورژوازی و  
اپورتونیست‌های جیره خوارش تمام سعی  
سعی خود را بکار می‌برند تا شاید بتوانند  
با سراب "ملی شدن تجارت خارجی" مدتی  
دیگر نیز خلق را بفریبند.

ما در بنبر خلق شماره ۱ گفتیم که  
هنگامیکه جا معه با یک بحران حادث رو-  
بروسته برای تجارت سرما به داری پاره‌ای  
از صنایع یا موسسات دیگر بخش خصوصی  
دولتی می‌شوند " و افزودیم که " قبل  
از هر چیزی باید در نظر داشت که در شرایط  
تسلط مناسبات سرما به داری وابسته  
بخش دولتی اقتصاد چیزی جز سرما به  
داری وابسته نیست که دقیقاً در شماره  
بورژوازی است" ما همچنین در کار شماره  
۷۵ گفتیم: "در شرایط حفظ مناسبات  
سرما به داری وابسته صحبت از "ملی  
کردن" بازرگانی خارجی حرفی بچوب  
است که در نهایت در خدمت بورژوازی  
و بوروکراتها، سرما به داران خصوصی  
و انحصارات امپریالیستی قرار می‌گیرد"  
هرگاه بخواهیم مساله را بشکلی روشن  
خلاصه کنیم میتوان گفت:

۱- در شرایط استقرار بحران اقتصاد  
رژیم حاکم جهت حفظ سیستم مجبور است  
بخشهایی از اقتصاد را به دست دولت  
بسیار د تا با نظارت و کنترل و ایجاد  
تمرکز بتواند بر نا بیسانی ها فائق آید.  
با بدگفت که متخما بعلت بحران عدم  
وجود "امنیت" کافی جهت سرما به گذاری  
و همچنین کمبود متخمن مواد اولیه،  
قطعات بدکی . . . سرما به های بسیاری  
از بخش تولیدی بسوی بخش تجاری که  
فعلاً مطمئن تر و سودآورتر است جاری  
گشته است و این مساله خود عا ملی جهت  
تشدید بحران گشته که حل آن و برقراری  
تعادل لازم بین این دو بخش در گسرو  
اعمال کنترل دولت میباشد. مسلماً  
طرح چنین مکانیزمهای تعدیل کننده‌ای  
بیشتر از سوی جناحی از حاکمیت کسه  
معتقد به هر "چه عقلایی" ترک کردن اقتصاد  
است صورت می‌پذیرد.

۲- در مورد تجارت خارجی مسلم است  
که در شرایط موجود جناح بورژوازی صنعتی  
بیشتر و پیشگام مبارزه در جهت دولتی  
نمودن آن میباشد. زیرا با این عمل از

## پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

### تجارت خارجی،

### حاکمیت و...

بقیه از صفحه ۱۱

کند از طریق سیستم طبیعی موجود (سیستم سنتی یا زان) اصل مذکور را اجرا نماید. تا سپس یک سازمان جدید جز بزرگتر کردن غول بوروکراسی خاصیت دیگری ندارد و هرگز نمی تواند جا بگزین یک سیستم طبیعی باشد. سپس حزب می گوید عوا مفریبانه با کمونیستی جلوه دادن ملی کردن! تجارت خارجی لیبرالها را از مشکلاتی که در این رابطه کشورهای سوسیالیستی با آن درگیرند، پرهیز دهد! و می نویسد: «چنانچه در کشورهای سوسیالیستی یک سلسله مشکلات مربوط به مکانیزم تجارت دولتی است... که معمولاً دولتستان دچار آن هستند ولی بخش خصوصی کمتر دچار آن میشود!»

تصور نمی رود دفاعی مریخ تروپوسی برده تر از این از بازاریان و تجار و سرمایه داران تجاری ممکن و میسر باشد. حزب همچنین میگوید «هرچسب وزارت بازرگانی... توانائی تهیه و عرضه ندارد... به بانکها و کمزکات تعلیمات لازم را در ایجاد تسهیلات ندهند تا اینکه با کارشناسی کارمندان، عمر سرمایه وارد کنند تلف شود» و گام مشخصی است چون به قول آقای بهزاد نیوی برای ورود کلیه کالاهای مورد نیاز سازمان موجود وزارت بازرگانی، توان انجام چنین کاری را ندارد (کتاب ۱۸۵۸ شماره ۱) چه بهتر از اینکه دولت با بهره گیری از سیستم سنتی بازرگانی اصل ملی کردن تجارت خارجی را اجرا نماید و توسط «بانکها و کمزکات» تسهیلات لازم جهت بخش خصوصی یعنی سرمایه داران بخش تجاری را به بهترین نحوی فراهم آورد تا خداینا کرده! «عمر سرمایه» این «ستونهای انقلاب تلف نشود. بهر صورت کشاکش این جناح در زمینه بحران موجود به تعادلی می رسد که میتوان آنرا «دولتی شدن نیمه بند» اقلام محدودی از کالاهای در حرف تمام نهاد. دولت در ۲۸ مرداد اعلام میکند که «فلزات، چوب، کاغذ و منسوجات» از این پس دولتی میشود اما به این صورت که «۳۰٪ از کالاهای وارد شده در دست شما و بقیه بخش دولتی قرار میگیرد و با این وجود دیگر دلالتها (بخوانید تجارت) نمیتوانند اجناس را احتکار کنند و با قیمت را بطور بی حساب بالا ببرند (قیمتها فقط با بدبیا حساب با لایروبی)... کسانیکه تاکنون این کالاهای وارد میگردند از این پس نمیتوانند بیرون بدهند یا تک (قبلاشویه) ثبت سفارش و ورود کالاهای توسط تجار بدینگونه بود که تجار به بانک مراجعه و با ارائه پیش فاکتور گشایش اعتبار میگردند و بسته به اینکه تا چه حد از اعتبار بانک برخوردار بوده بین ۱۰ الی ۱۵٪ از وجه مربوطه را نزد بانکها می سپردند تا پس از ترخیص یا فروش کالای قبضه وجه مربوطه را به بانک

### کسوری در نتیجه عدالت! در جمهوری اسلامی

اجرای عدالت جمهوری اسلامی، جوان نوآفرینی را از بینایی محروم کرد. کمیته های مشهود، مستقر در اطراف حرم، چندی پیش یک نوآفرین دوره گرد را بجزم فروختن نوآر دستگیر کرده و به کمیته میبرند. یک شب او را نگهبانان و سرگرا به سمت ضربه شلاق محکومش میکنند. اما هنگام خوابانیدن او برای اجرای حکم، چنان سرش را به سیمان میگویند که جوان مزبور که ۲۲ سال سن دارد، دچار ضربه مغزی میشود و بینایی خود را از دست میدهد. کمیته چی ها و حشیان حکم! خود را اجرا میکنند و حتی سرو صورت جوان نیز مجروح میشود. این مجرمیان عدالت در جمهوری اسلامی بعد از شلاق زدن، جوان نوآفرین را بحالی خودرها میکنند. خانواده او پس از مراجعات مکرر به کمیته و آیت الله شیرازی، نزد نماینده امام در مشهد میروند و او میگوید «اگر ما پسر شما را معالجه کنیم، گروهکها میگویند خودشان مجروح کردند، خودشان همه بیمارستان فرستادندش، شما یک هفته دیگر مراجعه کنید، ببینیم چه میشود!» (پزشکانی که جوان مزبور را معالجه کردند نظر داشتند که کوری او فقط در اثر وارد شدن ضربه شدید سرش بوده است.)

بخاطر حفظ و بازسازی سیستم سرمایه داری و تامین منافع سرمایه داران، از جانب حاکمیت طرح شده است، اما تا حدی به احتکار و گرفتاری و بحران اقتصادی لگام زده فشار فقر و گرانسی کمزکین بر توده ها را تا تعدیل می کنند و حداکثر در محدوده رفی می بورژوازی می کنند اما مسئله این است که بهر تون نیستند در عین اینکه بدون در نظر داشتن ماهیت دولت حاکم هرگونه دولتی شدن را گامی در جهت سوسیالیسم می بینند سعی دارند این عمل را نیز به عنوان راه حل مشکلات توده ها بعنوان اقدامی انقلابی جا بزنند (همانگونه که حزب توده در زمان شاه نیز او را به دولتی نمودن تشویق میکرد و بر اینگونه اعمالش صحنه می نهاد). اما بهر تون نیستند هیچگاه نمی گویند و نمی نویسند که چه کسانی مخالف دولتی شدن تجارت خارجی اند. چه کسانی در این راه سنگ می اندازند و چه کسانی سعی دارند حتی این اصل را نیز تعدیل نمایند. بهر تون نیستند هیچگاه نمی گویند که چگونه لیبرالها در راه ملی شدن تجارت خارجی کوش می کنند و حزب طلوی با ایشان سنگ می اندازد، اما بهر صورت چه بگویند چه نگویند روشن است که با رد دیگر بهر تون نیستند که «مادقانه!» میگویند تا می قدرت و توان خود را در مقابل بله با لیبرالها و در خدمت بخش آزادکار بورژوازی (به قول آنها خرده بورژوازی) قرار دهند در عمل در خدمت لیبرالها قرار گرفته اند.

بپردازند. مگر اینکه بیا بند در این مرکز (مرکز تهیه و توزیع ثبت نام کنند... ۱۰۰٪). (آزادگان ۲۸ مرداد) با این سیاست که البته عمدتاً در محدوده حرف باقی مانده است (نه سیخ سوزد و نه کباب) تجارت محترم و بازاریان نورچشمی حزب جمهوری اسلامی بود معقول خود می رسند و در عین حال دولت با بدست گیری ۳۰٪ واردات این اجناس کنترل محدودی را بر نوسانات بازار اعمال می نماید. اما اینکه چرا قانون به این صورت در آمد؟ قای سوری مسئول اجرای قانون ملی شدن تجارت خارجی به بهترین نحوی بیان میدارد «ما از دو طرف مورد حمله قرار گرفته بودیم (۱)... ما همبسته میخواستیم یک راه را انتخاب بکنیم که از یک طرف اقتصاد کشور را بکند، با از آن طرف بدو از طرف دیگر واقعاً به تجارت خارجی نزدیک بشود. و به همین دلیل اصل ۴۴ قانون اساسی وقتی میخواست بیا ده شود این قانون را به تصویب شورای انقلاب رساندیم.» (آزادگان ۲۸ مرداد).

بهر صورت با چنین سیاستها نتایج حال نه تنها با زار نخواهد بود بلکه بازاریان محترم چهار رنمل بسوی کعبه مراد می تازند. شیوه طرح مسئله در مجلس شورای (که با بدبسی از پایان ما همراه آن پرداخت) مویتنده و همین سیاست می باشد سپس در مجموع بسا دگر روشن گشت که حزب جمهوری اسلامی در جهت حفظ منافع تجار با زار در مقابل دولتی شدن تجارت خارجی (و به خصوص داخلی) مقاومت می نماید و لیبرالها بمنظور نمایندگان بورژوازی متوسط صنعتی در جهت تعدیل بحران و بسته راه اندازی هر چه سریعتر منابع خود در پی شبرد این امر تلاش دارند. اما با بددید در این میان اکثریتی های جناح راست و حزب توده رسالت شان را چگونه از پیش می برند بهر تون نیستند همواره در حرف و در شمارها ایشان نه تنها در راهی بسیار غلیظ فد لیبرالی هستند و نه تنها میگویند تا می نیروی خود را در جهت تقویت «جناح رادیکال» حاکمیت (یعنی حزب جمهوری اسلامی) قرار دهند بلکه تمام نیروها را نیز متهم به همکاری و تقویت لیبرالها می نمایند ما با رها در تشریح همان به روشنی ثابت کرده ایم که چگونه سیاستهای خیانت کارانه بهر تون نیستند در عمل در خدمت تقویت لیبرالها قرار میگیرد. در این مورد نیز باید دیگر مسئله را بررسی می کنیم.

همه بخوبی میدانند که اکثریتها در جناح راست و حزب توده «مادقانه» فریب می کشند که هر چه زودتر «تجارت خارجی» ملی کنند و هر چه زودتر اصل ۴۴ قانون اساسی را اجرا کنند و حتی این شمارها را بر روی در و دیوار ریش می نویسند. آنها سعی دارند این عمل را بعنوان اقدامی انقلابی و تا می کنند منافق توده ها جا بزنند. در این جا متذکر می شویم که ما هم مخالفی با دولتی شدن تجارت و با بازرگانسی خارجی نیستیم زیرا اگر چه این حرکت



# سیاست فریب و دروغ دولت جمهوری اسلامی

## و مسئله آزادی جاسوسان آمریکائی

نقشه از شماره ۱۰۰

بگذریم از هدفهای سیاسی هیئت حاکمه جمهوری اسلامی در ماجرای آزادسازی گروگانها که خود محسوس دیگر نیست. طرح شتاب زده آزادی گروگانها در مجلس بلافاصله پس از آغاز جنگ ایران و عراق بمناسبت علامت چراغ سبز به امپریالیسم آمریکا، سفری مقدمه و شرفیای بی‌رحمانه حضور اولدها بهم به قدملاق آنها پشت پرده در آمریکا، و سراسیمکی مجلس و دولت جمهوری اسلامی در همکاری برای انتخاب مجدد کراتر به ریاست جمهوری آمریکا و تسلیم شدنهای مکرر و مستمرد دولت در برابر دستور العملها و التیما تومگا خفید تا ما حکایتی است تاریخی و مستند از سیاست سازشکارانه جمهوری اسلامی برای جلب و جلب مراجع و عنایات امپریالیسم آمریکا بویژه در برابر خوردن مسئله فریب دولت رجا شی در جریان مذاکره با آمریکا حتی کلمه ای درباره مبالغه عظیم مالی ضبط و توقیف شاه، و باز پس گرفتن آن بمیان نمیآورد. و در گزارش به مجلس درباره این بخش از مطالبات ایران بطور درستی سکوت اختیار میکنند. در مصاحبه های مطبوعاتی، سران دولت جمهوری اسلامی حتی کلمه ای درباره بازپس گرفتن پولها و پولها و عواقب و سرانجام این کالاها و قراردادهای اقتصادی - نظامی به میان نمیآوردند، و یکجا همه این پولها و قراردادهای و کالاهای توقیف و تصرف شده از سوی آمریکا و هم دستا نث به فراموشی سپرده میشود. و در سراسر مذاکره برای آزادی گروگانها کمترین کوششی برای لغو این قرار - دادهای غارتگرانه و تحمیلی و تضمین بازپس گرفتن پول به غارت رفته قراردادهای اقتصادی - نظامی بعمل نمیآید.

نوبری مدیرکل بانک مرکزی در مصاحبه مطبوعاتی مندرج در روزنامه اطلاعات مورخ ۱۵ بهمن به نکته تازه ای اشاره میکند: "طی ۱۴ ماه گذشته با نیکهای آمریکا ثبات بدیهیهای دولت و موسسات ایرانی مقصداری از دارائیهای ما را با مبالغه از بدیهیایمان تنها ترک کرده بودند. که این امر توسط مجلس شورای اسلامی رد شد. این بانکها همچنین بدیهیهای بخش خصوصی را از حساب بانک مرکزی ایران برداشت کردند که این موضوع توسط مجلس شورای اسلامی ایران مورد قبول نیست.

اسناد این توضیح روشن مدیر کل بانک مرکزی از ۱۴ ماه قبل بانک های آمریکا شی بطوریکجا نهب

برداشتهای دلخواه از روی سپرده های ایران مبادرت میورزند. و حتی به حساب تسویه به هکاریهای افراد و شرکتها و موسسات خصوصی، خود سرانه از موجودی دارائی دولت در بانکهای آمریکا شی برداشت میگردند.

قابل پیش بینی است که، بسیاری از این به هکاریهها متعلق به افراد و موسساتی نزدیک به ربا و روبرما به داران بزرگ و وابسته دورا نو رژیم گذشته است. گردانندگان برنامۀ آزادسازی گروگانها بدون آنکه کمترین گزارش در باره این برداشتهای خود سرانه با نیکهای آمریکا شی و هویت این دسته از افراد و موسسات و سرانجام این تاراج ثروتها ی ملی در اختیار مجلس مردم و افکار عمومی قرار دهند، بدون آنکه در جریان مذاکره برای آزادی گروگانها بر سر این تها و زوینماهای انحمارات مالی امپریالیسم مقاومت ورزند، تمکین به همه این غارت وینماهای بانکهای آمریکا شی را، بمناسبت پیروزی انقلابی دولت جمهوری اسلامی جلو میدهند.

روزنامه میزان ارگان لیبرالها به تاریخ ۱۵ بهمن ماه ۵۹ در تحلیل اقتصادی ماجرای آزادی گروگانها به این نکته اشاره میکند: "علاوه بر این هنوز تکلیف پرداخت غرامتهای ۴۷ بانک خارجی که با نیکهای خصوصی شریک بوده اند روشن نشده است. این اشاره روزنامه میزان حکایت از آن دارد که، دولت جمهوری اسلامی گذشته از پرداخت سرما به این بانکهای خارجی در پرداخت تاوان و غرامت به انحمارات مالی جهان نمیتوان تاوان قیام بهممن و دولتی شدن بانکها تمکین نموده است.

رجا شی در گزارش به مجلس اظهار میدارد: پیشنهاد دومی از طرف بانک مرکزی ایران داده شد... پیشنهاد دومی که مورد توجه قرار گرفت... بدین ترتیب بود که، با استرداد اصل وامها و بازپرداخت کلیه آنها به بانکها و موسسات آمریکا شی که طلبکار هستند با آنها تسویه حساب نمائیم.

در این توضیح از سیاست کلام رجا شی چنین استنباط میشود که پیشنهاد تسویه بدیهیای ایران یکی از شاهکارهای دولت جمهوری اسلامی است. نبوی در مصاحبه های مطبوعاتی پیش از آزادی گروگانها بدون نیازی به شکردهای کلامی گزارش نخست وزیر پیشنهاد پرداخت وامهای متعدد رژیم گذشته را رد ردیف ابتکارات انقلابی کمیسیون تحسنت رباست خود منظور میکنند.

دکتر نوربخش در مصاحبه مطبوعاتی خود اظهار میدارد: در آمریکا مسئله موضوع برای حل این مسئله پیشنهاد گردید. اول اینکه این سپرده ها بصورت ثابت در بانکهای آمریکا باشد، با اینکه... سپرده های ایران آزاد شود. ولی از سیستم بانکی آمریکا بیرون نیاید... ایران پیشنهاد سوم آمریکا را مبنی بر خروج ارزها از سیستم بانکی آمریکا به شرط پرداخت وامهای رژیم گذشته قبول کرد.

نوربخش به طور ناخواسته دروغهای نبوی رجا شی را در همان شماره کیهان افشاء میکند. ولی از ذکر این حقایق که با نیکهای آمریکا شی خود سرانه سپرده های ایران را به حساب تسویه به هکاریهای افراد و موسسات خصوصی وابسته به رژیم گذشته مصا دره نموده اند شانه خالی میکنند رجا شی که تا لحظه پیش از آزادی گروگانها با تهدید به محاکمه آنها بر دریا رفت همه سپرده های مالی ایران را پیش از آزادی گروگانها پای میفشارد. در گزارش به مجلس شریح میکند که تا رقم ۶/۲ میلیارد دلار دارائی ارزی ایران کماکان در گروبان نیکهای آمریکا شی باقی خواهد ماند.

مستندات مورد اشاره روشن میکند که، این رقم عظیم در گرومانده حساب سازمانهای اربیش معلوم که شواهدی از آن از جای پروژ کشور استناد دارا شده است، توسط تراستهای مالی امپریالیستی به جیب زده شده است. از هم اکنون سرنوشت این مبلغ ۶/۲ میلیارد دلار را توقیف و عملاً مصا دره شده معلوم میگردد.

دولت رجا شی با تعقیب سیاست تسلیم طلبانه و تمکین در برابر همه دستورالعملهای نا مشروع امپریالیسم آمریکا مبلغ دریا فتی ایران را به ۲/۷ میلیارد دلار محدود میسازد.

رجا شی در توجیه تسلیم شدن دولت به تصمیم یکجانه آمریکا در برداشت نقدی به هکاریهای رژیم شاه در گزارش به مجلس به نرخ بالایی بهره وامهای آمریکا شی استناد میجوید... دومین نتیجه مثبت اینکه ایران دیگر مجبور نیست که بهره سنگین این گونه وامها را که تا ۲۲/۵٪ میرسد، پرداخت نماید. و همین استدلال گرا در مصاحبه های سایر کارگردان دولت تکرار میگردد.

بگذریم از اینکه مبلغ وام آمریکائی با بهره ۲۲/۵٪ بخش کوچکی از مجموعه وامهای چند میلیارد دلاری رژیم گذشته است. نوبری مدیرکل بانک مرکزی

نقشه در صفحه ۱۸

### مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست

● نامه یک رفیق هوادار

# جنايات هولناك رژيم جمهورى اسلامى

مسئله شکنجه ، بازداشت‌های غیر قانونی ، ترور نیروهای انقلابی ، سازماندهی گروه‌های تروریست و چاقوآوردن حزب اللهی و دهها نمونه دیگر از اعمال سنگین ، کثیف و ضد بشری رژیم جمهوری اسلامی ، آنچه انسان آبهادهای یافته است که حتی در روزنامه های رژیم و مجلس شورای اسلامی نیز انعکاس یافته است . از خصوصیات رژیمهای ضد خلقی یعنی رژیمهایی که هیچگونه اعتقاد و عقایدی به توده های مردم ندارند اینست که سعی میکنند با توسل به ترور و سرکوب ، اختناق و شکنجه ، و اعمال وحشیانه دیگر با بهای های حکومت متزلزل خود را استوار سازند . هرگز در تاریخ دیده نشده است که یک رژیم انقلابی و متکی به مردم دست به چنین اعمال سنگینی بزند . بنا بر این شیوه های سرکوب رژیم جمهوری اسلامی نیز کمترین تردیدی در ماهیت ضد خلقی و ارتجاعی این رژیم باقی نمیگذارد . هم اکنون هزاران تن از نیروهای انقلابی در سراسر ایران در زندانهای جمهوری اسلامی بسر میبرند ، روزی نمیگذرد که تعدادی از هواداران سازمانهای انقلابی و ترقی به زندان نیافتند . بودن مردم از خیا با آنها و خاتمه ایشان بصورت یک امر عادی در آمده است . پاسداران رژیم جمهوری اسلامی درست همانند ماوران ساواک نیروهای انقلابی را در خیا با آنها شکار میکنند . ما موران کمیتها یعنی همسگان ولگرد ها ، چاقوکش ها ، با چکیگران گردن کلفت ها و اوپا شان دورا رژیم شاه که اکنون در کمیتها های رژیم جمهوری اسلامی متشکل شده اند ، دست به هر جناياتی علیه توده ها میزند ، شایسته خاتمه ای نیروهای انقلابی یورش میبرند ، کتابفروشیها را به آتش میکشند و بنا حزب اللهی به اجتماعات حمله میبرند و ...

جمهوری اسلامی ترور شده اند . اطلاعات دیگری که به ما زمان رسیده است حکایت از این دارد که رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با نیروهای انقلابی بیش از پیش به سازماندهی گروههای تروریست برای شناسایی و ترور اعضاء و رهبران سازمانهای انقلابی متوسل شده است . سازماندهی این گروهها اما با در دست حزب جمهوری اسلامی است و اعضاء این گروهها را اکثر افراد سپاه پاسداران و کمیتها تشکیل میدهند . بنا بر این اعضاء تمام این شیوه های سرکوبگرانه و ضد بشری رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش در دستور کار نیروهای انقلابی قرار میگیرد . ما از همه هواداران - ما زمان میخواهیم که ضمن افشای این جنايات رژیم هرگونه اطلاعات موثقی درباره موارد فوق الذکر در اند به ما زمان ارائه دهند . در این شماره ما نامه یک رفیق هوادار را که نشان دهنده جنايات هولناك رژیم جمهوری اسلامی است ، درج می کنیم ، تا ماهیت رژیم که مدعی آزادی ، بشردوستی ، مبارزه با امپریالیسم است هر چه بیشتر افشاء گردد . واقعیت اینست که این نامه مدتی پیش به ما زمان رسیده بود ، اما مسائلی که در این نامه مطرح شده دیگری از آن دیده شده است بطرح آنچنان مسائل هولناکی میپردازد که سازمان را به تحقیق پیرامون این مسائل واداشت و اکنون که صحبت این نوشته برای ما زمان روشن شده است آنرا چاپ می کنیم :

## نامه یک رفیق هوادار

ساعت نزدیک پنج بود ، در میدان انقلاب سوارا توپوس شدم . اتوبوس به ایستگاه صدق رسید . پیاده شدم . با شتاب بطرف ایستگاه اتوبوس های تجریش دویدم تا زود تر برسم . نشریه ها - روزنامه ها "گار" و چند نشریه دیگر - از جیبم به زمین افتاد . دیدم دو نفر به من و نشریه ها نگاه میکردند . از چهره هایشان پیدا بود که فالانز هستند . بی اعتنا نشریه ها را برداشتم و بطرف ایستگاه رفتم . سوارا توپوس تجریش شدم . اتوبوس که به خیابان تخت طاووس رسید ، پیاده شدم و در ایستگاه ماندم تا اتوبوس برسد و بسروم . اتوبوس نیامد . پیاده راه افتادم تا در ایستگاه بعد سوار شوم . پیکان مدل

جدید سفید رنگی جلو پا بستم توقف کرد : "قا ، لطفاً این آدرس کجاست خواستم آدرس را بگویم . مردی که جلو نشسته بود گفت ، لطفاً به عقبی ها بگو ، در عقب باز شد . حسن کسرم دادش ای داردا اتفاق افتاد . خون سردیم را حفظ کردم و خواستم به آنها آدرس را بگویم که تا کجا نمراب به داخل پیکان کشیدند . چشمها بمراب بستند و هنوز صدای اعتراض در گلویم بود که جلوه ها نمراب گرفتند . فریاد زدم گمک ، گمک . اما فریادم در دست هائی که جلوه ها نمراب گرفتند . نیش چاقو را روی پشتم حس کردم . شایه بیست دقیقه ای طول کشید تا پیکان جانشی توقف کرد . نمیدانستم کجاست . مرا پیاده کردند و بردند . فکر می کنم مرا به طبقه دوم یک آپارتمان بردند و مرا داخل اتاق کوچکی پرت کردند و به دست هایم دست بند زدند . در اتاق کوچک یک توالت فرنگی بود . نمی دیدم . با دستهایم دست بند زده ام - حس کردم . نیم ساعتی گذشت . آمدند و مرا به یک اتاق بزرگ بردند . چشمها بمراب زکردند تا قی بود شبیه یک سالن . ابزار شکنجه را دیدم . بجانم افتادند . زیر ضربه های مشت و لگد آنها بیحال شدم . از ما غم خون بیرون زد . پشت سر هم سؤال میکردند : "اسمت چیست " ، "قا میللت چیست " ، "اسم پدرت چیست " ، "شماره شناسنامه " ، "تحصیلات " ، "اعضا خانواده " ، "آدرس منزل " و هر چه می گفتم با دداشت می کردند . مرا بطرف یک دستگاه آهنی بردند و روی آن ایستادند . دستگاه بطرف بالا پا شین حرکت کرد . یک کلاه آهنی آوردند . دور تا دور کلاه مثل تیغ تیز بود . کلاه را روی سرم گذاشتند و با پیچ آنرا تنظیم کردند . کلاه گشاد و تنگ می شد . آنرا قالب سرم کردند . مرا از دستگاه پائین آوردند . کلاه را برداشتمند . سرم را با لاکرقتند و نمراب افکنی را که به میله فلزی متحرکی بسته بود ، مستقیم به چشمها ایم انداختند . سرم گچی رفت . مرا به اتاق کوچکی برگرداندند . نمیدانم چند ساعت گذشت . دوباره آمدند و مرا به سالن شکنجه بردند . مرا بطرف دیوار کشیدند . سردبانی با قاطع کم به دیوار تکیه داشت . کلاه آهنی را آوردند و روی سرم قالب کردند . و میله آهنی متحرکی را روی سرم فرود آوردند . میله بطور افقی از سقف پائین آمد و محکم روی کلاه آهنی ضربه زد . چند بار میله بالا رفت و پائین آمد . فکسر می کنم آنرا با یک دکمه و با پیچ بالا و پائین می بردند . ضربه ها داشت



### جنبش جهانی کارگری - رهائیبخش

تا بیدار شده است نیروهای ضربتی  
امپریالیستها در پیکاهای نظامی  
در کشورهای تحت سلطه خود در منطقه  
مستقر خواهند شد تا ضمن رهبری سیاست  
ها و عملیات ضد انقلابی رژیمهای مرتجع  
علیه جنبش خلقهای منطقه در صورت  
نا توانی این رژیمها در حراست از منابع  
سرمایه داری جهانی مستقیماً وارد عمل  
شوند.

هفته گذشته اولین مرحله مانور  
واحدهای وابسته به طرح مذکور در آبهای  
منطقه و کشورهای عمان با افت غیر  
از دولت دست نشانده سلطان قابوس که  
وقیماً نه وجود پیکاهای نظامی در  
کشور عمان اعتراف می کند دیگر کشورهای  
ارتجاعی منطقه از ترس خشمونفسترت  
توده ها تا کنون رسماً موافقت خود را با  
این طرح اعلام نکرده اند. اما وزیر خارجه  
آمریکا اعلام داشته است که برخی از این  
کشورها بطور پنهانی از تشکیل چنین  
نیرویی پشتیبانی کرده اند.

جبهه خلق برای آزادی عمان که  
رهبری مبارزات انقلابی عمان را  
بمعهده دارد، هفته پیش ضمن افتای مجدد  
ما هیت رژیم قابوس و با بر متمرجمین و  
دست نشانندگان امپریالیستها در منطقه  
که از چنین طرحی دفاع میکنند قاطعانه  
اعلام داشت که این اقدامات امپریالیستی  
نیست و انداز شد مبارزات انقلابی  
خلقهای منطقه و سقوط حتمی رژیمهای  
ارتجاعی جلوگیری نماید. این جبهه  
ضمن تاکید بر ضرورت اتحاد انقلابی  
همه مبارزین فدا مهربا لیست در منطقه  
خاور میانه، تصمیم خلل ناپذیر خود را به  
ادامه نبرد انقلابی تا سرنگونی رژیم  
قابوس مورد تاکید قرار داد.

## السالوادور

### تداوم مبارزه تاپیروزی

هفته پیش جبهه آزادی ملی السالوادور  
آزورود ۱۰۰۰ تن از سربازان سزودور  
آمریکائی به السالوادور جهت تقویت  
رژیم امریکائی حاکم بر این کشور برود  
برداشت. بنا به گفته انقلابیون این  
سربازان بعد از ورود به السالوادور در  
یک مدرسه قدیمی اسکان داده شده اند.  
این اقدام در واقع قسمتی از برنامه  
کمک نظامی ۲۵ میلیون دلاری آمریکا  
به رژیم ارتجاعی السالوادور است.  
بنا به اظهارات ساکنان السالوادور  
رژیم آمریکا در تدارک یک تهاجم  
جدید علیه چریکهای انقلابی می باشد.  
هم چنین گفته شده که دولت سزودورتا ریخ  
۱۱ مارس را بعنوان مهلت تسلیم چریکها  
تعیین کرده است. بنا به همین گزارشات  
با نزدیک شدن سقوط رژیم حاکم، سفارت  
امپریالیسم آمریکا درین السالوادور  
آشکارا به ستاد فرماندهی عملیات  
منطقه در صفحه ۱۱

## پرو اعتصاب خونین کارگری در لیما

در جریان اعتصابی که از سوی کارگران  
پایتخت پرو - لیما بجا طرافزایش  
دستمزدها و هماهنگی سطح آن با افزایش  
قیمت ها و نرخ خورم نیز در اعتراض به  
بالرفتن قیمت ارزاق و محتاج عمومی  
و محصولات حاصل از نفت (پرو داری نفت)  
عظیم نفت است - صورت گرفت، یک  
دانشجوی ۱۸ ساله بر سر مدخل پلیس  
جهت درهم شکستن اعتصاب کشته و سینه  
تن زخمی شدند.

سرمایه داران و دولت های حامی  
آنان، از آنجا که هر حرکت توده ای را  
مانعی سخت در برابر تشبیت قدرت  
اقتصادی - سیاسی خویش می بینند  
و از آنجا که پیوند دادن کارگران  
و سایر پرزحمتکشان را در تمارضی بنا  
حاکمیت سرمایه و موجب شکل گیری و  
رشد سبکبار رزه توده ها میدانند،  
هنگامی که در برابر مبارزات انقلابی  
توده ها قرار گیرند برای حراست از  
حاکمیت خویش به انواع شیوه های  
سرکوب و فریب متوسل میشوند.

## مبارزه کارگران ژاپن برای افزایش ده درصد حقوق و کاهش مالیات بر درآمد

ژاپن - دولت سرمایه داران در ژاپن  
برای مقابله با زیانهای ناشی از  
بحران اقتصادی، هر روز بر میزان  
مالیات ها و قیمت کالاهای مورد نیاز  
مردم می افزایند. کارگران و زحمتکشان  
ژاپن که زیر فشار این بحران قرار  
گرفته اند، مبارزات اقتصادی خود را  
سا زمان میدهند. هفته گذشته اتحادیه  
های کارگری ژاپن تصمیم به انجام یک  
سری گردمانی ها و تظاهرات گرفته  
و خواستار ده درصد افزایش حقوق و  
کاهش مالیات بر درآمد ها شدند.

## پنجمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک صحرای باختری

۱۸ اسفند معارف بود با پنجمین سالگرد  
تاسیس جمهوری دموکراتیک صحرای  
باختری توسط جبهه خلق برای آزادی  
صحرای پولیساریو. سابقه مبارزات  
مردم صحرای سابقه پیش یعنی زمانی  
که غارتگران اسپانیایی مستقیم

برای استخراج معادن فسفات محسرا  
این منطقه را تحت اشغال خویش داشتند  
بر می گردید. مردم محسرا در آن زمان علاوه  
بر غارتگران اسپانیایی، با  
ژاندارمهای آنها در دوسوی محسرا  
یعنی موریتانی و مراکش نیز مسمی  
جنگیدند. بدنبال ورشکستگی سیاست  
استعماری کهن و اجبار اسپانیا به  
ترک محسرا هر یک از دولت های موریتانی  
و مغرب که خود را وارث ارباب مسمی  
فدا داشتند ادعای مالکیت بر محسرا را  
نمودند. آنها بویژه با تکیه بر  
احساسات ناسیونالیستی خلقهای  
مغرب و موریتانی، تحریکاتی را نسبت  
به خلق محسرا آغاز کردند. در این میان  
جبهه پولیساریو با تکیه بر پشتیبانی  
خلق، حکومت جمهوری محسرا را اعلام  
نمود. علیرغم تلاش امپریالیست ها و  
معاقل ارتجاعی تا کنون اکثر کشورهای  
افریقائی و نیز کشورهای  
سوسیالیستی موجودیت این جمهوری  
نویا را به رسمیت شناخته اند.

## جبهه خلق برای آزادی عمان علیه توطئه امپریالیسم نیروهای انقلابی را به اتحاد فراخواند

بعد از شکست طرح امریکائی پیمان  
با صلاح منیت خلیج، بزرگ تر شد مبارزات  
انقلابی خلقهای منطقه و بویژه با  
سرنگون شدن رژیم شاه در ایران، که یکی  
از قویترین نیروهای شرکت کننده در  
این پیمان بحساب می آمد، امپریالیسم  
جهانی بسرگردگی امپریالیسم  
آمریکا مجدداً تلاشهای توطئه آمیز خود  
را برای بجا دیک پیمان مشا به در منطقه  
آغاز کرده است. بارزترین این اقدامات  
عبارت است از طرح استقرار نیروهای  
واکنش سریع توسط امپریالیسم آمریکا  
علیه خلقهای منطقه در خلیج فارس و  
اساس این طرحها از سوی امپریالیستهای  
انگلیس و فرانسه و سایر جها تحواریان

# مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائی بخش سراسر جهان









# اخباری از: جنبش مقاومت خلق کرد

**پنجشنبه ۵۹/۱۱/۲ - جمعه ۵۹/۱۱/۳** - جنبش عده‌ای از پشمیگران به نیروهای سرکوبگر درون راد پسونولوپریون حمله نموده که نتایج آن تا به حال مداوم است. تلفات نیروهای سرکوبگر خلق کرد اعلامی در دست نیست.

**۵۹/۱۱/۴ - ۵۹/۱۱/۱۶** - امروز در میان سی و سی و چهارمین شهر پشمیگران از آن داده میگردند و با موم محبت می‌کنند. مردم با شدت و عسارت بسیار با آنها مبارزه می‌کنند. تعداد قتل‌های افراد آنان اکثریت است و حزب توده نیز مثل سابق همه تقصیرها را برعهده پشمیگران می‌گذارد. با عت ۱۲/۳۰ یک ماه پیش توپخانه زرد رنگ متعلق به سپاه پاسداران که از خیابان شهید عزیز پورینی می‌گذرید به سمت سرکوبگر در طرف موردمه پشمیگران قرار می‌گیرد در پشمیگرستان آن کشته‌های زخمی شده و اطعمه آنها به سمت پشمیگران می‌افتد. همین روزها با شبنم ارتش در پشمیگرستان رفا قلمبه نزدیک محمدگان در کرمکین کشته و عده‌ای دستگیر می‌شوند.

ارتشیان و پاسداران مستقر در مناطقی با یگانا و تپه‌ها مانند مجیدشهر را مورد آماج تاخت و تاز قرار داده‌اند. منطقه با را به دست پشمیگران در گریز و بدست چندین نفر از دریا با سان و هوروم میدا و جنگجویان رزمی رفته است و در مناطق دیگر شهر هم چندجانبه ویران و عده‌ای شهیدهای زخمی شده‌اند.

**پنجشنبه ۵۹/۱۱/۵ - جمعه ۵۹/۱۱/۶** - پشمیگران نه‌بهارن (رمیق سلیمان بلوریا) که جهت برپا شدن کالیبر ۵۰ میلی‌متری سوپا زرد رنگ (که بهروزیدان حمله شده بود) به ما تیسین نزدیک می‌شوند و پاسداران مستقر در فرما تارن به آنجا تیراندازی می‌کنند و این پشمیگرها به فرمان شهید می‌شوند. با عت ۵۰ میلی‌متری پشمیگران قهرمان کومله با عت سینه‌خیز به تندیکی‌های خودتوسا رفته و پس از مدتی دره کالیبر ۵۰ میلی‌متری با تفکر مینما بیند. همچنین در اس روز یک پسران در دروازه فرمان به سندان زخمی می‌شود. از عت ۵۹/۱۱/۴ تا ۵۹/۱۱/۵ با راه‌پایا شروع می‌شود و تا امروز از هر روز دیگر بیشتر است چدها را در حیات منزل دهن می‌نمایند.

**روز ۵۹/۱۱/۶ - پشمیگران** فدائی به یک ستون پاسدار ارتش مره وارد می‌کنند که گزارش آن در کار ۵۹/۱۱/۷ به اطلاع خوانندگان رسید.

**شنبه ۵۹/۱۱/۷** - سران اداری از

# اعتصاب کارگران...

عده‌ای بدون سلاح در شهر دیده می‌شود در شهر عده زیادی از مردم چیت از نظرات روز قبیل سازمان در تهران می‌کنند و این موضوع به یک بحث روز تبدیل شده است.

**روزهای پس از ۵۹/۱۱/۱۹** - یکشنبه تا سه‌شنبه لغت و کار و شیل شرکت نفت را معادله میکنند این اقدام پس از تیراندازی متوقف می‌شود و پس از آنکه هوا تازیک می‌شود دوباره مردم بسوی شرکت نفت می‌روند و جنبه نفت و گاز و شیل را معادله می‌کنند.

**روزهای پس از ۵۹/۱۱/۲۲** - چهارشنبه تا پنجشنبه تا شنبه تا روزهای قبل رند تا دسیاست توبه‌نا مه و تسلیم رژیم با شکست مواجه شد.

**روز ۵۹/۱۱/۲۲** - یکشنبه تا سه‌شنبه تا چهارشنبه تا پنجشنبه تا شنبه تا روزهای قبل رند تا دسیاست توبه‌نا مه و تسلیم رژیم با شکست مواجه شد.

**روز ۵۹/۱۱/۲۲** - یکشنبه تا سه‌شنبه تا چهارشنبه تا پنجشنبه تا شنبه تا روزهای قبل رند تا دسیاست توبه‌نا مه و تسلیم رژیم با شکست مواجه شد.

**روز ۵۹/۱۱/۲۲** - یکشنبه تا سه‌شنبه تا چهارشنبه تا پنجشنبه تا شنبه تا روزهای قبل رند تا دسیاست توبه‌نا مه و تسلیم رژیم با شکست مواجه شد.

عده‌ای بدون سلاح در شهر دیده می‌شود در شهر عده زیادی از مردم چیت از نظرات روز قبیل سازمان در تهران می‌کنند و این موضوع به یک بحث روز تبدیل شده است.

**روزهای پس از ۵۹/۱۱/۱۹** - یکشنبه تا سه‌شنبه لغت و کار و شیل شرکت نفت را معادله میکنند این اقدام پس از تیراندازی متوقف می‌شود و پس از آنکه هوا تازیک می‌شود دوباره مردم بسوی شرکت نفت می‌روند و جنبه نفت و گاز و شیل را معادله می‌کنند.

**روزهای پس از ۵۹/۱۱/۲۲** - چهارشنبه تا پنجشنبه تا شنبه تا روزهای قبل رند تا دسیاست توبه‌نا مه و تسلیم رژیم با شکست مواجه شد.

**روز ۵۹/۱۱/۲۲** - یکشنبه تا سه‌شنبه تا چهارشنبه تا پنجشنبه تا شنبه تا روزهای قبل رند تا دسیاست توبه‌نا مه و تسلیم رژیم با شکست مواجه شد.

**روز ۵۹/۱۱/۲۲** - یکشنبه تا سه‌شنبه تا چهارشنبه تا پنجشنبه تا شنبه تا روزهای قبل رند تا دسیاست توبه‌نا مه و تسلیم رژیم با شکست مواجه شد.

عده‌ای بدون سلاح در شهر دیده می‌شود در شهر عده زیادی از مردم چیت از نظرات روز قبیل سازمان در تهران می‌کنند و این موضوع به یک بحث روز تبدیل شده است.

عده‌ای بدون سلاح در شهر دیده می‌شود در شهر عده زیادی از مردم چیت از نظرات روز قبیل سازمان در تهران می‌کنند و این موضوع به یک بحث روز تبدیل شده است.

**کارگاه هنر ایران**

رستاخیز سیه‌انکل

کارگاه هنر ایران

**کارگاه هنر ایران**

سرزمین شورانها

کارگاه هنر ایران

**حمله به مقر پیکار ...**

نصفه صفحه ۴۰

سربوس خود را بدست سربوس می‌رساند که گلوله‌های سربوس متعلق به خود ندارد و اگر چه همس منوال نیست رود مردم گلوله می‌سوزاند مطمئن است که هر فرد مسلحی خود را به آنجا می‌برد عملی است. همچنین این اقدام ضد دموکراسی است عملیات سبای رژیم جمهوری اسلامی و سربوس سبای چریکها رنگ مدافع این رژیم که در عده‌ای هستند کردن مفا و مینما به آنجا حلی کرده می‌سوزاند و محسوس است.

با زمان طمانعه‌ای این اقدام حزب دموکرات را ضد دموکراسی می‌سوزاند که در قسمتی از آن غلامحسین است.

موضوع ما در این مورد است سربوس‌های شرکت کننده در جنبش مقاومت تاکنون سراسر اصل سربوس که

# کردستان، کردستان، پاینده باد عزمت - پیروز باد رزمت

